

## علیه اسلام و نظم سرمایه داری برای یک آینده سوسیالیستی

سیاوش دانشور

صفحه ۳

### اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

صفحه ۵

### مصاحبه کمونیست با صالح سرداری در رابطه با کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

صفحه ۶

### خیزش انقلابی در ایران در منگنه دو آلترناتیو بورژوائی بخش دوم

نادر شریفی

صفحه ۷

### اطلاعیه برگزاری دومین کنفرانس

### شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

صفحه ۹

### پیام رضا شهابی به نمایندگان اتحادیه های کارگری مستقل از دولت و کارفرما در کنفرانس سازمان جهانی کار

صفحه ۱۰

### توهم یا وارونه گویی فریبکارانه در قبال دمکراسی

در حاشیه تعبیر ابراهیم علیزاده از دمکراسی

رحمان حسین زاده

صفحه ۱۲

ستون اخبار کارگری و  
اجتماعی  
تهیه و تنظیم سپیده  
امیرعسکری و ارش کلهر

صفحه ۱۵

دهه چهلای سالهای  
شصت ( قسمت چهارم،  
بخش آخر )  
سردار قادری

صفحه ۱۴

ده دروغ رایج درباره  
انقلاب اکتبر  
بخش اول  
ترجمه سیوان کریمی

صفحه ۱۳

۷۰۲

# مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

جمعه ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ - ۹ ژوئن ۲۰۲۳

### جنایت رژیم اسلامی در برخورد به جشن فارغ التحصیلی دانشجویان در شهر قزوین

جمهوری اسلامی برای حفظ بقای حکومتش که جز نکبت چیزی برای جامعه ندارد مرتب جنایت می کند. در مقابل اعتراض و ناراضیاتی مردم به موجودیت آن بی حرمتی و تحقیر و زندان و تجاوز و شکنجه و اعدام را پیشه خود کرده است تنها به این امید که با وجود زندگی پر از مشقت و دشواری که به جامعه هشتاد میلیونی تحمیل کرده اند، مردم ساکت باشند و دست از اعتراض و مبارزه برای جaro کردن حاکمیت وحشت اسلام و جمهوری اسلامی بردارند.

در ادامه خشونت و بی حرمتی اوباشان اسلامی علیه جوانان، روز پنجشنبه ۶ خرداد ۳۵ دانشجوی دختر و پسر در شهر قزوین هنگام برگزاری جشن فارغ التحصیلی دستگیر و همان روز با برگزاری دادگاه ویژه و در یک محاکمه چند دقیقه ای هر کدام از دانشجویان را به ۹۹ ضربه شلاق محکوم می کنند، همانجا حکم را به اجرا در می آورند و جوانان را، جلادان اسلامی به شلاق می کشند.

رفتار وحشیانه و قرون وسطایی با جوانانی که فقط به دلیل برگزاری مراسم پایان دوره تحصیلات و با هم بودن و لذت بردن از لحظاتی گذرا صورت گرفته، جنایتی بزرگ و غیر قابل وصف و نیاید ساده در کنار آن گذشت. این نوع جشنها که در جوامع متمدن رسم است و معمولا خود دانشگاه یا مراکز تحصیل در پایان دوره تحصیلی چنین مراسمهایی را تدارک می بینند

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



به همه تبعیضات و نابرابری های موجود است. به هم زدن این مناسبات قبل از کسی کار طبقه کارگر متشکل و همه جوانان و زنان مبارزی است که از دست این بربریت به تنگ آمده اند. شکنجه و آزار ۳۵ دانشجوی فارغ التحصیل دختر و پسر فقط گوشه کوچکی از این مناسبات و حاکمیت آخوند و مذهب است که بی حرمت و مورد آزار قرار می گیرند.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، در هم شکستن ماشین سرکوب و شکنجه و شلاق، برقراری سوسیالیسم، و جامعه ای عاری از ستم و استثمار بهترین و انسانی ترین گزینه برای کارگر و مردم ستمدیده و زنان و جوانان ایران است.

\*\*\*\*\*

سردبیر

این است جواب جلدان رژیم اسلامی به شادی و تفریح جوانان



## جنایت رژیم اسلامی در برخورد به جشن فارغ التحصیلی دانشجویان در شهر قزوین

و فارغ التحصیلان را بدرقه می کنند، در جامعه اختناق زده و مذهب زده ایران تابو است و با مجازات غیر قابل وصف پاسخ می گیرد. این مجازات جمعی، پاسخ اوباشان اسلامی به شادی و تفریح جوانان است.

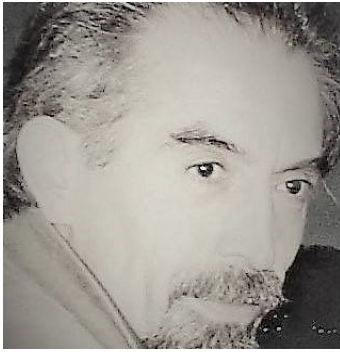
جوانانی که بعد از سالها تحصیل با تمام محدودیتهایی که جوان امروزی در ایران از آن رنج می برند و به امید زندگی بهتر و خدمت به جامعه از طرف سران و کاربدستان و دادگاههای رژیم جنایتکار اسلامی این چنین بدرقه و جواب می گیرند. تنگتان باد جنایتکاران قرن!! این جنایت و همه رفتار وحشیانه رژیم اسلامی با مردم بدون شک جواب درخور خواهد گرفت و جامعه تحمل نخواهد کرد. آنچه در چند ماهه گذشته با شروع خیزش انقلابی شاهد بودیم، تنها جواب قاطع و سراسر است به جمهوری جنایتکار اسلامی است. سرنگونی رژیم اسلامی تنها انتخاب جوانان، زنان، کارگران و همه مردم ستمدیده در مقابل این بربریت است.

اماسوال این است این همه جنایت برای چیست، واقعیت امر این است که جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری با روبنای دیکتاتوری مذهبی و سرکوبگر متکی به استثمار وحشیانه نیروی کار کارگر و در انقیاد و زیر دست نگه داشتن طبقه کارگر و مردم تحت ستم با هدف حفظ سلطه اقلیتی سرمایه دار و کاربدستان دولتی و آقازاده ها و سودآوری و ثروت اندوزی از قبل کار و نیروی کار کارگر است. برای حفظ این سلطه استثمارگرانه نیاز دارند که بخشی از سود آوری سرمایه را که با جانکندن کارگر حاصل می شود برای حفظ این مناسبات، نیروی مسلح و وحشی پرورده و سازمان می دهند و هر زمان این نظم وارونه با اعتراض و خیزش مردم به خطر بیفتد از آن استفاده و مردم را سرکوب و خفه کنند. مذهب و آخوند و قوانین و فرهنگ حاکمیت در این سیستم سرکوبگر نیز، ابزار ترمیق توده مردم و در خدمت حفظ این مناسبات عمل می کنند.

زنان راهمه جانبه تحت ستم قرار می دهند. معترضین به مناسبات ضد انسانی را زندان و شکنجه و تبعید و اعدام می کنند. جوانان را شلاق می زند و حتی به قبر جانبختگان نیز رحم نمی کنند و خانواده آنان را تهدید و سرکوب تا ساکت شوند و اعتراض نکنند. همه این جنایات را انجام می دهند تا جامعه را مرعوب و به بقای خود حفظ این نظم وارونه و سلطه خود بر مردم ادامه دهند. همه این جنایات را می کنند تا این موقعیت نابرابر و تماما تبعیض آمیز را به نفع این اقلیت مفتخور و انگلی که بر ثروت جامعه لم داده اند نگه دارند. در جوامع پیشرفته سرمایه داری نیز همین مناسبات حاکم است. حقوق فردی و به اصطلاح دمکراتیک را رعایت می کنند تا حقوق جمعی و اقتصادی اکثریت مزد بگیر را سلب کنند. در ایران با شمشیر سر می برند و در جوامع پیشرفته با قانون انسان ها را برای حفظ این مناسبات به انقیاد در می آورند. و ما می بینیم چگونه هر دو برای حفظ منافع سرمایه داران و دولت های حافظ این مناسبات زیر بغل همدیگر را می گیرند. حقوق بشر هم در این میان فقط شعاری مفت برای بدو بستان است.

به این مناسبات بربریت باید پایان داد. در حفظ این مناسبات نه زن نه جوان و به طریق اولاً نه کارگر و مردم زحمتکش خیری ندیده و نمی بینند. مبارزه ما نه تنها علیه حکومت سرکوبگر اسلامی و پایان دادن به سرکوب و شکنجه و شلاق و بی حرمتی به انسان ها پایان حاکمیت آخوند، بلکه مبارزه ای است برای پایان دادن به این مناسبات استثمارگر سرمایه داری و جارو کردن حکومت اسلامی و پایان دادن

مرگ بر جمهوری اسلامی!



دنیای بیرون تفاوت عمده ای ندارد. در تلاشهای قبلی عنوان میشد که فضای فرهنگی بدرجه ای گشوده شود، رابطه با آمریکا و غرب بازسازی شود، جمهوری اسلامی به جامعه جهانی بازگردد، رژیم اسلامی از تروریسم و چوب لای چرخ گذاشتن سیاستهای غرب در منطقه دست بردارد، ملزومات امنیت سرمایه و سرمایه گذاری و صدور سرمایه و انتقال تکنولوژی فراهم شود و دورنمای یک گشایش

اقتصادی و فعالیت در بازار جهانی گشوده شود. جمهوری اسلامی از دوره رفسنجانی تاکنون تلاشهایی در جلب سرمایه و تسهيلات سرمایه گذاری با تهاجم به موقعیت طبقه کارگر و حقوق ناچیزش انجام داده است. اما اقدامات اقتصادی رژیم اسلامی در قیاس با نیازهای بازسازی سرمایه داری ایران ناچیز محسوب میشوند و مهمتر پاسخگوئی به ریشه های سیاسی بحران اقتصادی، یعنی پوست انداختن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی هیچگاه در ظرفیت این حکومت نبوده و نیست. آلترناتیو بورژوازی در شکل اولیه اش بر این فرض مبتنی بود که طی چند مرحله پوست انداختن جمهوری اسلامی با حکومتی روبرو هستیم که با شکل اولیه اش شباهتی نخواهد داشت. یعنی حکومت اسلامی پروسه ای را آغاز میکرد که نیروهای دیگری از طبقه بورژوازی آنرا به پایان میردند. این پروسه شکست خورد اما هدف آن سرجای خود باقی است. آلترناتیو بورژوازی شامل بورژوازی بیرون حکومت و بورژوازی بین المللی، در پروسه آلترناتیو سازی اهداف کمابیش یکسانی را تعقیب میکنند. پیاده کردن این هدف می تواند اشکال مختلفی بخود بگیرد.

چنین حکومت فرضی، مستقل از اینکه چقدر دوام خواهد آورد؛ نفس پروسه تثبیت اش با چه معضلاتی روبرو است؛ چه جنایاتی باید در این راه بکند و از روی چه کسانی و چه جنبشهایی باید رد شود؛ ماهیتا حکومتی مبتنی بر اختناق و تبعیض و نابرابری خواهد بود. ارتجاعي که اینبار در زوروق "جمهوری"، "دمکراسی" و "حقوق بشر" بسته بندی میشود. چنین حکومتی با هر ترکیبی، با هر وعده و وعیدی و با هر رنگ پرچم و تابلویی، نه می خواهد و نه میتواند به مسئله فقر و فلاکت جواب دهد، نه به مسئله آزادی و برابری زن و مرد. نه کاری به فعال مایشانی مذهب و قدرت نهادهای مذهبی دارد، نه میتواند به سوالات اجتماعی از قبیل اعتیاد، تن فروشی و محیط زیست پاسخ دهد. نه میتواند تحمل آزادیهای سیاسی و ایجاد سازمانهای کارگری و فعالیت آزادانه کمونیستها و احزاب سیاسی را داشته باشد، و نه به اساس مختصات سرمایه داری در چنین کشورهایی که مبتنی بر استثمار نیروی کار ارزان و دیکتاتوری عریان است حتی خراشی وارد خواهد کرد. آلترناتیو بورژوازی بعد از جمهوری اسلامی، مستقل از تغییرات جزئی و اجتناب ناپذیر آن برای تحمیل به مردم، در اساس با ارتجاع اسلامی تفاوتی ماهوی نخواهد داشت. ارتجاعي که توسط پنتاگون و ائتلاف ناتو سر کار بیاید با اسلاف خود در منطقه از جمله در عراق و افغانستان و لیبی و غیره تفاوت چندانی نخواهد داشت.

#### آلترناتیو کارگری

ما بعنوان کمونیست کارگری، بعنوان گرایش رادیکال طبقه کارگر و جامعه، همواره راه حل مان در تقابل با بورژوازی یک حکومت سوسیالیستی است. این راه حل امروز از یونان تا اسپانیا و از ایران تا مصر و در کل جهان سرمایه داری تنها راه واقعی آزادی و رفاه و سعادت اکثریت عظیم مردم است. حتی بورژواها در جامعه سوسیالیستی با کار و زندگی شرافتمندانه میتوانند به آدمیت خود برگردند. اما این آلترناتیو در شرایط مشخص معنی ویژه و کنکرت خود را دارد و میتواند و باید بعنوان راه حل واقعی رفع اوضاع کنونی و کلیه معضلاتش عروج کند. تغییر جمهوری اسلامی میتواند به طرق مختلفی

## علیه اسلام و نظم سرمایه داری برای یک آینده سوسیالیستی

سیاوش دانشور

جامعه هشتاد و چند میلیونی ایران با معضلات پیچیده اجتماعی بیشماری روبروست. مسائلی مانند فقر، بیکاری، اعتیاد، تن فروشی و محصولات جانبی آن شاخص هائی برای محک زدن توان یا عدم توان جنبش ها و نیروهای سیاسی مدعی قدرت هستند. در کنار این معضلات بزرگ باید به اختناق و پایه مادی آن و نیازی که اختناق و دیکتاتوری عریان را بازتولید میکند، به قوانین و مناسبات حقوقی و اجتماعی مبتنی بر تبعیض و نابرابری، به شبکه زندانها، دادگاهها و ارگانهای متفرقه سرکوب که این مجموعه را پاسداری میکنند، نیز اشاره کرد. این مسائل از جنبشهای اجتماعی مختلف پاسخهای متفاوتی میگیرند. بعلاوه، مسئله زن در جامعه ای که نفس زن بودن در آن جرم است؛ مسئله مذهب در جامعه ای که نظام حاکم در آن منبعث از مذهب است و مردمش دل خونی از نهادها و باندها و مافیای مذهبی دارند؛ و خواست آزادی و برابری و رفاه که در طول تاریخ به واژه های مقدسی در فرهنگ سیاسی مردم بدل شده است؛ از جنبشهای اجتماعی مختلف پاسخ های متفاوتی میگیرند. و بالاخره باید از مسائل خود ویژه و سوالات محوری که در هر جامعه در حال تحول رنگ خود را به کلیت مبارزه و کشمکش سیاسی و طبقاتی میزنند، نام برد. مسائلی مانند بافت جوان جامعه ایران و کشمکشی دائمی بین گذشته و آینده، مسئله زن و فقر و فلاکت اقتصادی، عنصر استیصال و امید در روانشناسی اجتماعی و نقشی که بعنوان نقطه مساعد یا نامساعد برای این و یا آن جنبش سیاسی میتواند ایفا کنند.

سیاست در ایران و کشمکش برسر قدرت سیاسی نه مسابقه ملکه زیبایی است، نه صرفا عوامفریبی و شعبده بازی سیاسی بورژوازی. نه قسم خوردن به آرمانها و عقاید درست است، و نه قرار است تاریخ طی پروسه ای حقانیت خود را بطور اجتناب ناپذیری تحمیل و دیکته کند. این جنگی واقعی است که باید به نفع این و یا آن طبقه متخاصم اجتماعی خاتمه پیدا کند. همانطور که تاکنون جمهوری اسلامی با جنگ روزمره با مردم و مخالفین اش سرپا مانده است، همانطور که هیچ حکومتی با زبان خوش قدرت را به مردم و طبقه کارگر واگذار نمیکند، آینده ایران و حکومت آتی نیز از دل یک مجموعه پیچیده سیاسی و یک کشمکش حاد عبور میکند. نه فقط تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بلکه رقم زدن آینده جامعه ایران و سرنوشت نسلهای متمادی و کودکانی که امروز بدنیا می آیند، در گرو وارد شدن به کشمکش و مبارزه ای حاد و پیچیده برای گرفتن قدرت سیاسی، برای نگهداشتن قدرت، برای سازمان دادن جامعه ای انقلابی و آزاد و مرفه است که با کل میراث گذشته ارتجاع و اختناق تعیین تکلیف کند.

جنگ برسر آلترناتیوها و تحركات نیروهای اپوزیسیون ایران در این چهارچوب معنی دارد. چهارچوبی که تحت شرایط معین منطقه ای و جهانی به سمت تعیین تکلیف نهائی میرود و همه نیروهای درگیر را به تحرك واداشته است. جنگ و کشمکش میان نیروهایی که میخواهند به عناوین مختلف گذشته و وضع موجود را بازسازی و مرمت کنند و نیروهایی که تلاش دارند کل وضع موجود را به طرق انقلابی زیر و رو کنند. باید اضافه کرد که زمین سیاست برای طرفین درگیر نه یکسان است و نه طرفین از امکانات مشابهی برخوردارند.

#### آلترناتیو بورژوازی

راه حل بورژوازی برای بعد از جمهوری اسلامی ماهیتا با راه حلهای تاکنونی اش مبنی بر ایجاد تغییراتی در درون رژیم و سازگاریش با

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

اعلام جنگ با خود جنگ فرق دارد. ما نمیتوانیم به بورژوازی برای بقدرت رسیدنش انتقاد کنیم. ما نمیتوانیم به کودتاچی ها برای عمل کودتا انتقاد کنیم. ما نمیتوانیم به بورژوازی درس اخلاق و فرهنگ سیاسی بدهیم. اینها عمری روضه "تمرین دموکراسی" و "تلرانس" خواندند و حالا بنا به ماهیت واقعی شان سر از دالانهای پنتاگون و سالنهای بند و بیست علیه مردم ایران در آورند. بورژوازی ماهیتا همین است، توهمی نباید داشت. باید در مقابل جنگ آنها علیه طبقه کارگر و اکثریت عظیم مردم، جنگ خود را سازمان دهیم. باید در مقابل آلترناتیو بورژوازی، آلترناتیو کارگری را بگذاریم. جنگ آلترناتیوها گوشه ای از مبارزه طبقاتی در دوران امروز است و سوسیالیسم انتخابی شیرین و معقول است که میتواند ارتجاع هار بورژوازی در ایران و در منطقه و جهان را سرچایش بگذارد. باید مسئله را به همین وسعت، سوال را به همین بزرگی، پیچیدگیهای دوره را همانطور که هست درک کرد و به تقابلی اجتماعی و طبقاتی فراخوان داد.

جامعه انقلابی و آستن تحول ایران نیازمند کمونیسم است. ما میگوئیم که کمونیستها و سوسیالیستها و طبقه کارگر میتوانند در این نبرد پیروز شوند و باید در گام اول قدرت را بدست گیرند. باید در جدال بر سر قدرت سیاسی سر راست و در مقیاس جامعه تلاش کرد و علیه راه حلهای دست راستی ایستاد. سوسیالیسم آلترناتیو ماست. سوسیالیسم عملی است، سوسیالیسم ممکن است، سوسیالیسم ضروری و میرم است. در نبرد برای بگور سپردن جمهوری اسلامی باید زیر پرچم سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری متحد شد!

۱۹ خرداد ۱۴۰۲

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود  
مستقیم و مستمر کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر  
نیازی برپا کنید!  
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**



اسلام و اسلام زدایی  
منصور حکمت  
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

## علیه اسلام و نظم سرمایه داری برای یک آینده سوسیالیستی

سیاوش دانشور

عملی شود. جنگ و کودتا، بند و بست از بالا، قیام توده ای و انقلاب کارگری همه میتواند راههای تغییر رژیم کنونی باشد. راه حل راست و بورژوائی به حکومتی از همین دست ختم میشود و تنها راه حل کمونیستی و کارگری میتواند به حکومتی تماما متفاوت و آزاد منجر شود.

جدال بر سر آلترناتیوها و تلاش برای جایگزینی جمهوری اسلامی در اساس جنگی بر سر قدرت سیاسی میان جنبشهای متخاصم و متمایز اجتماعی و طبقاتی است. این جنگ در دوره های بحران حاد میشود و ویژگی آنرا مشخصات دوره های بحرانی و انتقالی تعیین میکند. اما نفس جنگ ماهیتا همان است. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و به طرق انقلابی برای بزیر کشیدن آن درگیر مبارزه ای سخت هستند. مردم از این حکومت و سلب زندگی عادی و هویت فردی و اجتماعی و سلب هویت از نصف جامعه یعنی زنان به تنگ آمده اند. مردم از فشار فقر و فلاکت و گسترش جنایت و تن فروشی و اعتیاد و فروش اعضای بدن و کمبود پایه ای ترین مایحتاج زندگی خود به تنگ آمده اند. مردم از زورگونی و باجگیری و سرکوب و اعدام و زندان و تحقیری که روزمره بر آنها اعمال میشود به تنگ آمده اند. اکثریت عظیم مردم، طبقه کارگر، اکثریت عظیم زنان و نسل جدید میخواهند زندگی کنند، آزادی میخواهند، حرمت میخواهند، حقوق میخواهند، رفاه میخواهند، آینده میخواهند و بورژوازی اسلامی نمیگذارد. اساس نقد بورژوازی اپوزیسیون به رژیم اسلامی دردهای بیشمار مردم و کارگران و محرومان در جامعه ایران نیست. مشکل آنها رابطه شان با قدرت، جایگاه شان در نظام سرمایه داری کنونی، تعریف مناسباتی مبتنی بر دادن حق آنها از کل استثمار طبقه کارگر و ثروتهای باد آورده، و شریک شدن شان در بساط لغت و لیس کنونی است. کل راه حلهای این بورژوازی و مشغله های سیاسی شان چیزی جز این نمیگوید. کسانی که روزی پشت خامنه ای و روزی پشت سر این و یا آن بخش حکومت جنایتکار اسلامی اند و امروز پشت در پارلمانهای دول غربی در انتظارند، نمیتوانند پیشتر یک ذره آزادی برای مردم باشند.

مسئله امروز اپوزیسیون کمونیستی کارگری و اردوی انقلابی و آزادیخواه صرفا افشای این نیروها نیست. بدون تردید باید ماهیت ضد انسانی، ضد کارگری، ضد جامعه این جریانات دست راستی بیوقفه افشا گردد. باید این نیروهای ارتجاعی را در صحنه سیاسی ایزوله کرد. سوال اما شکست سیاسی آنها در پروسه ای است که قرار است برای چند دهه متمادی سرنوشت دهها میلیون انسان را رقم بزند. سوال وارد شدن همه جانبه به جنگی است که در خانه همه را میکوبد و سرنوشت این جنگ تعیین میکند که سهم انسان امروز و نسلهای فردا از آزادی و زندگی و حرمت چه باشد. به این اعتبار، در این دوران ویژه و پیچیده، باید آلترناتیو کارگری قد علم کند.

اولین مشخصه این آلترناتیو اینست که ایران چلبی و غنوشی و طنطای نمیخواهد. مردم و طبقه کارگر و کمونیستهای ایران این پروژه های آلترناتیو سازی را با عزمی جزم شکست خواهند داد. دومین مشخصه ایندوران پیچیده اینست که کمونیسم کارگری و طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی در صورت تحمیل آلترناتیو دست راستی و سرهم بندی شده صحنه را واگذار نخواهند کرد. نه در این راه و رسم شریک میشوند، نه آنرا برسمیت میشناسند و نه در مقابل آن سکوت میکنند و در صورت تحمیل آن وارد جنگ برای سرنوشتی چنین حکومتی خواهند شد. و بالاخره اینها هنوز کافی نیست. هنوز اعلام مخالفت و اعلام تقابل و

**نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!**

## اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

روزهای دوشنبه و سه شنبه ۵ و ۶ ژوئن ۲۰۲۳ برابر با ۱۵ و ۱۶ خرداد ۱۴۰۲، جلسه دو ماهه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی، دبیر کمیته مرکزی و حضور رفقای از کمیته مرکزی حزب برگزار شد.

دستورهای مصوب نشست دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش و ارزیابی ۲- حزبیت، و تحکیم مناسبات حزبی ۳- کمونیسم کارگری و پروژه های حزب ۴- تصمیم در مورد پاره ای اقدامات تشکیلاتی ۵- قرار و قطعنامه ۶- انتخابات.

در بخش گزارش سیاسی و تشکیلاتی رئیس دفتر سیاسی، دبیر اجرایی، دبیران کمیته های سازمانده و کردستان و ارگانهای حزبی، نکات و محورهای فعالیت دوره بعد از پلنوم حزب را به اجلاس دفتر سیاسی ارائه دادند. در بخش ارزیابی رفقای دفتر سیاسی و اعضای کمیته مرکزی دعوت شده به جلسه در مورد سیاست حزب در برخورد به تحولات، مسائل مهم جاری، اوضاع حکومت و چشم انداز دور دیگری از اعتراضات کارگری و توده ای، جایگاه پروژه های حزبی و غیر حزبی، اوضاع مالی حزب، تبلیغات حزب و کمبودها، فعالیت موثرتر در خارج کشور، همکاری با جریانهای چپ و کمونیست در مقایسه سراسری و کردستان، مسائل تاکتیکی، رفع محدودیت ها و گسترش فعالیت کمونیستی و کارگری حزب، جایگاه سیاسی حزب و وظایف خطیر آن، از جمله محورهای بحث در بخش گزارش و ارزیابی بودند. در این مبحث برخی اقدامات سیاسی و تشکیلاتی مشخص استنتاج شد.

مبحث بعدی حزبیت و تحکیم مناسبات حزبی بود که رفیق ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی معرف آن بود. تمرکز این بحث روی سر و سامان دادن به امور و چهارچوبهای حزبیت بویژه در دوره انقلابی، پیگیری و جاری کردن موازین کار در تمام سطوح، بالابردن انسجام سیاسی و تشکیلاتی و تحکیم حزبیت بود. در این مبحث دفتر سیاسی روی جوانب مختلف و مهمی تاکید گذاشت و مجموعه ای از اقدامات را بعنوان استنتاج در دستور قرار داد.

مبحث بعدی کمونیسم کارگری و پروژه ها و تاکتیک های حزب بود که توسط دبیر اجرایی رفیق همایون گدازگر ارائه شد. در این بحث مروری بر سیاستها و تاکتیکهای حزب در دوره گذشته شد، بر اهمیت مسائل تاکتیکی، نحوه برخورد و ملاحظات مطرح و جوانب و زوایای مختلف آن توسط جلسه بررسی شد. در این بحث نیز دفتر سیاسی بر کمبودها، نقاط قوت، روش برخورد، اختلاف نظر و غیره در قالب یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری پرداخت و بر برخورد فعال و متحد کننده حزب در جنبش کارگری و توده ای و انقلابی تاکید کرد.

انتخابات آخرین دستور نشست بود. برای رئیس دفتر سیاسی رفیق سیاوش دانشور باتفاق آرا و برای اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی رفقا: رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، صالح سرداری، همایون گدازگر و سعید یگانه باتفاق آرا برای هیئت اجرایی انتخاب شدند. در نشست کوتاه هیئت اجرایی رفیق همایون گدازگر باتفاق آرا بعنوان دبیر اجرایی حزب انتخاب شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
17 خرداد 1402-7 ژوئن 2023

## دهه چهلای سالهای شصت (قسمت چهارم، بخش آخر)

### سردار قادری



تقریباً ۲۵۰۰ نفر جمعیت داشت؛ روستایی با این جمعیت بیش از ۱۵۰ نفر زندانی و تبعیدی داشته است و بیش از بیست نفر از جوانان و نوجوانانش در صفوف کومله و حزب کمونیست ایران جان باخته اند. آنهایی که میگویند انقلابیون ۵۷ جمهوری اسلامی را سر کار آوردند منافعشان ایجاب میکنند تا چشم بر واقعیات فرو بندند و نبینند که ضد انقلاب اسلامی چگونه برای تثبیت و ادامه حیات خود جامعه ای به وسعت ایران را به خاک و خون کشید. آویهنگ نمونه ای کوچک اما برجسته از تاریخ بی وقفه مبارزات چهار دهه اخیر مردم ایران بر علیه رژیم اسلامی است.

اسامی بخشی رفقای جانباخته روستای آویهنگ: 1. ناصر مجیدی 2. جلال کریم افشار 3. عزت رستمی 4. ناصر پیشکاری 5. عطا فلاحی 6. محمد امین نجاری 7. صدیق مرادی زر 8. میکائیل عدی نژاد 9. فایق نیک پی 10. یدی عدی 11. عبدالله فاسمی 12. جمال کردی 13. عیسی عدی نژاد 14. مصطفی نصری 15. احمد بهرامی 16. مختار نوری زاد 17. بدی حبیبی 18. فرشته مرادی زر 19. عبد الحسین رحیمی زر 20. زاهد گاو اهنی 21. فتح الله مصطفایی 22. حبیب بهاری زر

با احترام هزاربار به یاد و خاطره عزیز رفیق محمد امین نجاری و همه جانباختگان راه رهایی طبقه کارگر.

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



رادیکال را در خیابان ها سر دادند. علیرغم سرکوب شدید رژیم در کردستان، جوانان کمونیست و زنان و آزادیخواهان با همه توان خود به مقابله با رژیم برخاستند.

کنفرانس در جریان بحث های سیاسی خود، به این نتیجه رسید، علیرغم فروکش کردن اعتراض و تظاهرات خیابانی، با توجه به ناتوانی رژیم در جوابگویی به بحران های همه جانبه ای که دچارش شده است، در فاصله ای نه چندان دور، مردم اعتراضات و مبارزات رادیکال خود را شروع خواهند کرد.

کنفرانس همچنین به ارزیابی از جنبش های چپ و راست، آلترناتیوها و تناسب قوای نیروهای موجود در کردستان پرداخت. کنفرانس با توجه به این فاکتورها، برای دفاع از مطالبات مردم و دخالت آنها در زندگی و سرنوشت خود، بر آلترناتیو حاکمیت شورایی تاکید کرد. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست باید خود را برای مقابله با طرح و پلان هایی که آلترناتیو راست و ارتجاعی در کردستان، که میخواهد، خود را بر مردم کردستان، تحمیل نماید، خود را قدرتمند تر و آماده تر کند. تلاش کند تا کارگران، معلمان و زنان و اقشار مختلف جامعه خود را در شوراهای خود سازمان دهند و از دستاوردهای خود در جریان اعتراضات و مبارزات دفاع نمایند. اجازه ندهند هیچ نیرویی از بالای سر آنها و در بند و بست با دیگر نیروهای ارتجاعی در سطح سراسری برای آنها تعیین تکلیف کنند.

\*\*\*\*\*

صالح سرداری

## مصاحبه کمونیست با صالح سرداری در رابطه با کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

کمونیست: کنفرانس دوم نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در تاریخ ۳ و ۴ ژوئن برگزار شد. نکات برجسته و مهم این کنفرانس چه بود.

صالح سرداری: در جواب سؤال شما باید به چند نکته اشاره کرد. کنفرانس دوم بعد از یک دوره کار و فعالیت، شور و شوق فراوانی داشت، که شرکت کنندگان در آن علیرغم اینکه میدانستند، رژیم سرکوبگر و مستبد جمهوری اسلامی توانسته اعتراضات و تظاهرات های خیابانی را بدرجه ای کاهش دهد و بیش از سی هزار نفر را دستگیر و زندانی کند و پانصد نفر را بکشد، اما به علم به همه اینها مصمم بودند که خود را بیشتر برای جوابگویی به اوضاعی که بیش خواهد آمد، آماده کنند. نکته دیگر مهم کنفرانس این بود علیرغم اینکه ترکیب احزاب و شخصیت های چپ و کمونیست متشکل در شورا باهم کار نکرده بودند، توانسته بودند، بر مشکلات فایق آمده و در کنار هم فعالیت های چشمگیری انجام دهند. این اولین تجربه فعالیت مشترک احزاب و غیر متحزبین باهم بود. نکته دیگری که باز هم باید به آن اشاره کرد، کنفرانس دوم توانست به همه دستورهای خود بپردازد و رفقای شرکت کننده، چه آنهایی که در سالن کنفرانس حضور و با از طریق شبکه زووم شرکت داشتند، فعالانه در مباحث شرکت کرده و نظرات و پیشنهادهای خود را در کنفرانس مطرح کردند.

کمونیست: با توجه به نکاتی که توضیح دادین ارزیابی شما از کنفرانس چه هست و پیشروی و موفقیت شورا در گرو چه اقداماتی می دانید. وظایفش رو به داخل چه هستند؟

صالح سرداری: با توجه به توضیحات بالا ارزیابی من از کنفرانس مثبت است. کنفرانس یکبار دیگر دو سند مبنایی سیاسی و پلانفرم فعالیت های شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان را که توسط شورای هماهنگی تدوین شده بودند و در اختیار اعضای شورا قرار گرفته بودند با اندک اصلاحاتی به تصویب رسید. کنفرانس همچنین گزارش عملکرد و فعالیت های شورا را از کنفرانس اول تا کنفرانس دوم را مورد بحث و بررسی قرار داد و ضمن اشاره به کمبودها و نواقص آن، عموماً ارزیابی مثبتی از ایندوره از فعالیت خود داشت. همچنین جهت گیری ها و اولویت های دور آتی را تعیین و از هیات هماهنگی جدید خواست برای پیشبرد مجدانه آن تلاش نماید.

یکی دیگر از دستورهای کنفرانس گزارش سیاسی بود. در گزارش سیاسی به اوضاع سیاسی ایران و کردستان پرداخته شد. فاکتورهای اساسی جامعه ایران، وضعیت رژیم، جنبش کارگری، فرهنگیان، زنان و تناسب قوای میان مردم و رژیم، آلترناتیوهای چپ و راست بدقت مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. یکی دیگر از دستورهای کنفرانس سندی در مورد حاکمیت شورایی بود که مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بحث های ارزنده ای حول آن صورت گرفت. اما از آنجا که این سند در آخرین روزها به کنفرانس رسیده بود، وقت کافیه برای تصمیم گیری وجود نداشت. کنفرانس تصمیم گرفت، این سند در سمیناری به بحث گذاشته شود و بعداً در موردش تصمیم گیری شود.

کنفرانس همچنین اوضاع سیاسی ایران، اوضاع سیاسی در کردستان را بدقت مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. در کردستان در هفت ماه گذشته با توجه به سابقه کمونیسم و چپ شعارها و مطالبات





کنند.  
پس از شکست فاشیسم در پایان جنگ جهانی دوم، اکثر حامیان اقتصادی و سیاسی آن در قدرت باقی ماندند. این همان خوابی است که امروز اپوزیسیون بورژوازی ایران به نمایندگی پهلوی برای جامعه ایران پس از جمهوری اسلامی می بیند. پس از فروپاشی جمهوری اسلامی، قرار نیست سرمایه داری خودی بخاطر انباشت میلیاردها دلار در آمریکا و کانادا و انگلیس و حتی خود ایران بازخواست شود یا هزاران

آدمکش و شکنجه گر حکومت خدا در دانشگاههای مردمی جوابگوی چهل و پنج سال تجاوز و اعدام و شکنجه جوانان جامعه باشند و با حداقل زندانهای ساخته شده توسط خاندان پهلوی با خاک یکسان شوند! خیر همه اینها پس از جمهوری اسلامی بل بیشتر از اینها برای حفظ نظام سرمایه داری منتها این بار با کروات لازم و غیرقابل صرف نظر می باشند.

امروز، در کشورهای صنعتی غربی، تسخیر مجدد قدرت توسط فاشیسم بسیار بعید است. از یک سو، بستر اجتماعی فاشیسم، مشاغل کوچک و کشاورزی به دلیل صنعتی شدن به شدت کوچک و بی اهمیت شده اند و از سوی دیگر، اکثریت قریب به اتفاق جمعیت امروز را حقوق بگیرانی تشکیل میدهند که به دلیل موقعیت خود و سطح بالایی در آموزش علوم و فنون در چرخه تولید، گزینه های بسیار متفاوتی برای پاسخ به بحران دارند.

اما در ایران موضوع بسیار متفاوت است. بورژوازی ایران بخاطر موقعیت اقتصادی اش در رده بازار جهانی بغیر از سرکوب خونین راه دیگری در حفظ خود نمی بیند. هرچند که شاید بورژوازی ایران خود دلخوش چندان از جمهوری اسلامی نداشته باشد، اما بطور واقع آلترناتیو دیگری را پیدا نمیکند. یا جمهوری اسلامی و یا اپوزیسیون راست پروغرب از جنس حزب نوین که پتانسیل سرکوب اش باید بمراتب بیشتر از جمهوری اسلامی باشد. چیزی که با حفظ دستگاههای سرکوب جمهوری اسلامی و ائتلاف دستگاههای سرکوب حکومت قبلی باز هم بعید بنظر می آید که قادر به مقابله با جنبش قدرتمند چپ حاضر در جامعه باشد. شاید بهمین دلیل است که بورژوازی ایران و حتی سرمایه جهانی کماکان و با تمام ایراداتی که از نظام استبدادی اسلامی میگیرند، خواهان حفظ جمهوری اسلامی تا سر حد ممکن اند؟

مسیر قدرت توسط نیروهای راست افراطی چگونه پیموده می شود؟ فاشیستها در اروپا در مرحله اولیه با باندهای پراکنده محلی و سازماندهی وضعی آغاز بکار کردند. این باندها در آغاز جرات ظاهر شدن در محلهای عمومی را نداشتند. آنها در ابتدا به ضعیف ترین اعضای جامعه، مانند مهاجران یا بی خانمان ها و زنان تن فروش حمله میکردند. آنهم زمانی که مطمئن بودند نیرویشان در محل از آنان بیشتر است. در این مرحله، سازمانهای راست افراطی تنها به برگزاری جلسات گفتگو، سمینار و گردهمایی کوچک بسنده میکردند. عده انی از آنان حتی مبارزات خود را در چهارچوب "شعر" و "شعرخوانی" به پیش میبردند. در مرحله بعد، گروه های کوچک و بزرگ فاشیست، حزب اصلی خود را تشکیل دادند که تا حمایت هرچه بیشتری از بنیه داران مالی و از محافظ بورژوایی به دست آوردن تا بتوانند پس از آن وارد عرصه دستیابی ب قدرت سیاسی شوند. در این مرحله، جنبش فاشیستی شروع به روی آوردن به سرنوشت واقعی خود کرد: مبارزه برای تصرف خیابان ها، وحشت سازی علیه چپ ها، علیه تشکلات کارگری و سرکوب هر جنبش مخالف تا دست آخر لغو مدنیت و برقراری دیکتاتوری سرمایه را ممکن کند.

بیشتر در مورد تاریخ پیوسته نازیسم و فاشیسم با جریانات

## خیزش انقلابی در ایران

### در منگنه دو آلترناتیو بورژوائی

بخش دوم

نادر شریفی

#### کارکرد اجتماعی فاشیستهای آریائی و اسلامی

بنابر طبیعت و لزوم جوابگویی به بحرانهای فزاینده اقتصادی خود، سرمایه مجبور است به سطح زندگی مزدبگیران روزمره حمله کند. مزدبگیران نیز با تشکیل شوراهای کارگری، اتحادیه ها و سندیکاها و دیگر اقشار جامعه با عدم تبعیت مدنی و تا مرز بی قانونی، تشکیل سازمانهای زنان، جوانان و نهادهای مدنی و غیره شروع به تبدیل کردن سازمان های خود به ابزار مبارزه علیه بورژوازی میکنند و در یک مبارزه طبقاتی دائمی تا بثمر رسیدن انقلاب سوسیالیستی در پی بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی خود بر می آیند.

با بحران حداقل هفتاد ساله ائی که بورژوازی ایران و بخشهای انفرادی دستگاه دولتی با آن دست بگریبانند، آنها شروع به ارائه حمایت مالی، سیاسی و سازمانی از باندهای فاشیست تا جابجائی حکومت "ملی-اسلامی" به حکومت فاشیستی آریائی، به عنوان کمکی در مبارزه با جنبش کارگران، مال باختگان، نادران، بازنشستگان، معلمان، کادر پزشکی، زنان و جوانان و در مجموع اقشار مختلف طبقه کارگر سازمان یافته و بالقوه انقلابی و به عنوان آلترناتیوی برای حفظ وضع موجود می کنند.

امروز، در عصر تحولات و نافرمانی های اجتماعی در ایران، این حمایت ها نمیتوانند همانند اروپا پراکنده و مقطعی باشند. بورژوازی و نمایندگان سیاسی آنها همیشه در مبارزات حاد طبقاتی، از باندهای چماق دار تا احزاب و سازمانهای فاشیستی، به عنوان نیروهای کمکی سرکوب علیه جنبش های اعتراضی اجتماعی استفاده کرده اند. ما در ایران هم در آغاز دهه پنجاه و در بستر تولد یک نیروی انقلابی چپ با پایه های اجتماعی عینی این تجربه را کردیم که بورژوازی جهانی در بحران فرورفته و ناعلاج سلطنت، از ارتجاعی ترین و مشمنز کننده ترین بخشهای جامعه جنبش اسلامی- فاشیستی خمینی را بیرون کشید و با به گمراه بردن جامعه غیر متحزب، آلترناتیو خود را با ترفند "شاه باید برود"، در جامعه تحکیم کرد. امروز با اوج گیری اعتراضات اجتماعی در بزیر کشیدن نظام بورژوائی اسلامی، شاهدیم که چگونه دو نیرو در هماهنگی و موازات یکدیگر جلوی رشد و بقدرت رسیدن جنبش آزادیخواهان و رادیکال چپ را در تحولات هم در ایران و هم در خارج از مرزهای سیاسی ایران گرفتند.

#### رحم هنوز بارور است که این از آن خزید!

سرانجام، جنبش توده ای فاشیستی در ایتالیا و آلمان با حمایت قاطعانه بانکها، صنعتگران بزرگ و دستگاه دولتی به قدرت سیاسی رسید. سرمایه و دستگاه دولتی این انتقال قدرت را تنها راه جلوگیری از تسخیر انقلابی قدرت توسط طبقه کارگر، ابتدا در ایتالیا در سال 1922 و سپس در آلمان در سال 1933 می دانستند.

همین روند را ما می توانیم در آغاز دهه 50 در ایران مشاهده کنیم. جامعه ترقی خواه و برابری طلب حاضر نبود که حاکمیت سلطنت و سرمایه را بر کرده خود ببیند. انقلاب بل زودرس 57 میرفت که نظام سرمایه در ایران را در هم پیچد و چپ را بقدرت نزدیک کند. بنابر این بورژوازی کوچک و بزرگ و بخصوص بازاریان در ایران با حمایتهای سرشاری مالی خود جنبش ملی-اسلامی به رهبری خمینی را تقویت کردند. این جنبش و سپس جمهوری اسلامی را از هر طریق ممکن حمایت کردند تا از تسخیر انقلابی قدرت توسط چپ جلوگیری

## خیزش انقلابی در ایران

## در منگنه دو آلترناتیو بورژوائی

بخش دوم

نادر شریفی

اسلامی از جمله اخوان المسلمین توضیح داده ایم. اما مقایسه چگونگی بقدرت رسیدن فاشیسم در اروپا و جمهوری اسلامی در ایران بمراتب آسانتر است.

جنبش اسلامی برهبری خمینی در ایران همانند همه جنبشهای اسلامی، نیروی خود را از مساجد، تکیه ها و مراسم و مناسک مذهبی اسلامی گرفته اند. بجای شعر و کنسرت، آموزش قرآن، مسابقات قرآن و اذان خوانی و مراسم مذهبی براه انداختند. زنان را بواسطه دستورها و فرامین قرآن و محمد اول پشت زندان حجاب و سپس یکسره به بردگی گشانند. سازمان و گروههای کوچک و بزرگ اسلامی بر خلاف سازمانها و گروههای چپ، هیچگاه تحت تعقیب جدی و خطر شکنجه و کشتار وسیع نیروهای سرکوب سلطنتی قرار نداشتند، با ارتباط و حمایت مستقیم بازار دارای امکانات سرشار مالی و تبلیغاتی و ساختار نیم مخفی در جامعه شدند. پس از حمایت سرشار غرب و مدیای آنان و بقدرت رسیدن، حزب خود، حزب الله را اعلام کردند و به این ترتیب همه احزاب و سازمانهای دیگر را غیر قانونی اعلام کردند. (حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله!)

قانون شریعت را قانون جامعه خواندند و به کمونیستها و چپ فراخوان دادند که بیایند خودشان را معرفی کنند، اعدام شوند تا خدا در آن دنیا به جرایم آنان رسیدگی کند. دختران ازدواج نکرده و زیر شانزده سال را قبل از اعدام، تجاوز کردند تا مبدا به بهشت بروند و حتی تجاوز و شکنجه در زندانها را برای مرد و زن شرعی اعلام کردند. یعنی با قدرت یابی و در سایه جنگ، مبارزه برای "حضور عمومی" و رادیکال مردمی در خیابان ها آغاز شد و یکی پس از دیگری نیروهای اجتماعی را سرکوب و تا مرز نابودی خنثی کردند.

امروز همچون پنجاه سال قبل، برای اولین و آخرین نبرد تعیین کننده در مبارزه بر علیه فاشیسم اسلامی خیابانها تنها فاکتور مهم اند، جایی که موفقیت با شکست جمهوری اسلامی قابل تعیین و تکلیف است. تحریکات جنبش راست اولترا ارتجاعی اپوزیسیون ایرانی پروغرب در هفت-هشت ماه گذشته، در بطن خیزش انقلابی در ایران هم آنچنان متفاوت از جنبش ملی-اسلامی نیست. بعنوان نمونه می توان به:

- تشکیل حزب ایران نوین، سعی در متشکل کردن سازمانها و نیروهای پراکنده و ضعیف محلی پروغرب تحت نامهای "من وکالت" میدهم، اتوبوس مجانی و غیره، ارتباط با سازمانها، احزاب، پارلمانهای مختلف برای "جمع آوری حمایت مالی"،

- دنبال حمایت گشتن در غرب برای حمایت از اپوزیسیون پرو غرب و بخصوص رضا پهلوی،

- تشکیل و شرکت در دهها کنفرانس و نشست از جمله شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ، کنفرانس خبری و نشست با سران حکومت اسرائیل، کنفرانس جرج تاون و . . .

- جلسات پشت پرده و علنی رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون، عبدالله مهندی، نازنین برومند، مسیح علی نژاد، علی کریمی و گلشیفته فرهانی و . . . بمنظور تشکیل ائتلاف بزرگ راست پروغرب،

راه اندازی کنسرت،

-حمله به اپوزیسیون و بخصوص به آکسیونها و تظاهرات چپها و کمونیستها اشاره کرد.

- رهبر ما پهلویه، هر کی نگه اجنبیه / مرگ بر سه مفسد ملا، چپی و مجاهد

چگونه می توان با آلترناتیو سازی بورژوازی با جنبش ارتجاعی مبارزه کرد؟

امروز، مسیر قدرت دوباره به آن طرف خیابان منتهی می شود. نکته مهم این جمله این است که در مبارزه بر علیه ارتجاع که از طریق برتری عددی خود و از طریق مجموعه اقدامات قاطعانه میسر است، جلوی رشد آلترناتیو سازی راست حافظ سرمایه را در خیابانها مسدود کنیم. در این مورد ابراز خشم اخلاقی و نقد سیاسی با حفظ نزاکت سیاسی ایدن کافی نیست. راستها براستی فقط به آن خواهند خندید. در مواجهه با خشونت واقعی، محدود کردن خود، تواضع و بردباری اشتباه است. مقاومت را باید علیه ارتجاع سازماندهی کرد. اگر چپ موفق شود یکی پس از دیگری تجمعات و نشستهای آنان را خنثی کند، پایگاه آنان شروع به فروپاشی خواهد کرد. وقتی مشخص کردیم که خیابان برای آنان مسدود است، فاشیست های آریائی نمی توانند به یک نیروی سیاسی و آلترناتیو قابل عرضی پس از جمهوری اسلامی حتی برای دستگاههای بورژوازی غرب تبدیل شوند، آنگاه آنها هم همانند موش ها شروع به بازگشت به سوراخ های خود می کنند.

جنبش چپ و ضد فاشیست و انقلابی ایران چه در داخل و چه در خارج باید بر قدرت خود بیفزاید. به ویژه، بسیج گسترده ترین حمایت ممکن در جامعه برای جنبش ضد فاشیست آریائی مهم است. مهمتر از همه، اتحادیه ها و تشکل های کارگری و احزاب و سازمانهای چپ و انقلابی بایستی آگاه باشند که تحت تبلیغ مدیای وابسته باور "رمیدن مردم از کمونیسم" و ترس از "دیکتاتوری پرولتاریا" را افشاء کنند و ناخواسته در کنار فاشیستهای آریائی قرار نگرفته و پیوسته خط خود را از حافظان سرمایه جدا کنند. چرا که اینان هیچگاه انقلابی نبودند و نخواهند بود. اینها گرگان اند در لباس میش! اگر میخواهیم جلوی آلترناتیو سازی فاشیسم آریائی برای جایگزینی با جمهوری اسلامی را در مبارزه مدرن و امروزی ایران متوقف کنیم، باید دسترسی آنان به خیابانها را قطع کنیم و جلوی جامعه رژه رفتن شان را در همه جا بگیریم.

پایان



منصور حکمت را بخوانید و  
به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



اعضای مستقل با رأی مخفی اعضای غیر متحزب در شبکه زوم و حاضرین در سالن انتخاب شدند

اسامی ۶ عضو هیئت هماهنگی شورا، منتخب رفقای مستقل عبارتند از؛ رفقا مریم مصطفی سلطانی، پرشنگ بهرامی، علی خدری، یدی عزیزی، محمد ولدی و هادی رحیمی

دو حزب هرکدام سه نماینده خود را بزودی به شورا معرفی خواهند کرد.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حاکمیت شورایی**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان  
استکھلم ۵ ژوئن ۲۰۲۳**

## اطلاعیه برگزاری دومین کنفرانس

### شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

دومین کنفرانس شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، روزهای شنبه و یکشنبه سوم و چهارم ژوئن ۲۰۲۳ ( ۱۳ و ۱۴ خرداد ماه ۱۴۰۲ ) در استکهلم سوئد برگزار شد. این کنفرانس با شرکت حضوری اکثریت اعضا و ناظرین در سالن کنفرانس و بخشی از اعضای شورا و ناظرین از طریق آنلاین، برگزار گردید. در هر روز کنفرانس بیش از ۱۲۰ نفر شرکت فعال داشتند.

کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیزم و جانبختگان خیزش سراسری مردم ایران و همچنین گرامیداشت یاد و خاطره رفیق کمونیست عیسی جمشیدی از فعالین این شورا، کار خود را آغاز کرد.

هیئت رئیسه موقت بعد از تصویب آئین نامه برگزاری کنفرانس، تداوم پیشبرد وظایف کنفرانس را به هیئت رئیسه دائم واگذار کرد که توسط شرکت کنندگان در کنفرانس انتخاب شده بودند.

هیئت رئیسه دائم بر اساس آئین نامه مصوب کنفرانس و زمان بندی جلساتی که در دستور کار خود قرار داده بود، نخست به هیئت هماهنگی فرصت داد، ضمن تبیین مختصری از اوضاع سیاسی ایران و کردستان، گزارش فعالیتهای تا کنونی شورا، و اولویتهای فعالیت شورا را به استحضار حاضرین در کنفرانس برساند و اعضا و ناظرین فعالانه در مورد گزارشها و تکمیل این اسناد اظهار نظر کردند. لازم به ذکر است که همه این اسناد از یک هفته قبل در اختیار اعضا قرار گرفته بود.

دو سند میانی سیاسی و پلاتفرم شورا، با ملاحظات کتبی و شفاهی اعضا و ناظرین مورد بحث قرار گرفت که این ملاحظات توسط هیئت هماهنگی جدید در متن قبلی گنجانده و منتشر خواهد شد.

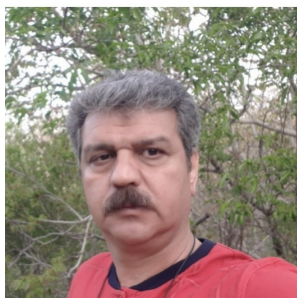
از طرف رفقای کومه‌له- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در هیئت هماهنگی شورا سند دیگری بنام پیش نویس میانی حاکمیت شورایی و منشور مطالبات جنبش انقلابی مردم در کردستان، به کنفرانس ارائه شد که با رأی اکثریت قاطع کنفرانس در دستور قرار گرفت. پس از معرفی شفاهی سند، تصمیم کنفرانس بر این شد که چون فرصت کافی برای بحث بر سر این سند در کنفرانس موجود نبوده، با تصویب قرار دادی که مطابق آن هیئت هماهنگی منتخب شورا در عرض حداکثر دو ماه در سمینار ویژه‌ای با حضور اعضا آنرا به بحث و بررسی بگذارد.

در بخش دستور قرارها و قطعنامه‌های پیشنهادی، در مورد تغییر نام شورا، چند پیشنهاد به رأی گذاشته شد و نهایتاً نام قبلی منتخب کنفرانس اول، بالاترین رأی را آورد.

آخرین دستور جلسه، انتخاب هیئت هماهنگی دور آتی فعالیتهای شورا بود، ابتدا تعداد اعضای هیئت به رأی گذاشته شد که از میان پیشنهادات، ۱۲ نفر، رأی آورد. ۶ نفر اعضای مستقل و ۶ نفر نماینده کومه‌له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمونیست. شش نفر از



**نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!**



کارگران معترض را شناسایی و به نیروهای امنیتی یا مدیریت گزارش میکنند. به عنوان نمونه، در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، شوراهای اسلامی کار رانندگان معترض را به حراست و شورای تامین استان معرفی کردند و به دستور نیروهای امنیتی در جلسات ساختگی "کمپته انضباط کار" کارگران حق طلب و معترض را اخراج کردند که خود ما از جمله ی آن

کارگران اخراجی هستیم. ما به دلیل تشکیل سندیکا بر اساس مقاله نامه های ۹۸/۸۷ سازمان جهانی کار و حق خواهی و درخواست یک زندگی عادلانه، و اجرای طبقه بندی مشاغل سخت و زیان آور و... با گزارشات کذب تعدادی از اعضای شورای اسلامی کار و خانه کارگر به نیروهای امنیتی مستقر در کارگاهها از کار اخراج، بازداشت، و زندانی شدیم، و در حال حاضر هم دوباره به همان دلایل در زندان هستیم.

آخرین خبر این که در حالیکه ما بیش از یکسال است که در زندان بسر می بریم، پرونده جدیدی علیه حسن سعیدی، کیوان مهدی و خود من گشوده شده است.

دوستان گرامی،

در اجلاس شما، نمایندگان به ظاهر کارگری از ایران نیز شرکت دارند. آنها نمایندگان کارگران ایران نیستند، چون اساسا در یک روند دموکراتیک و به دور از اجبار و رعب و ترس از اخراج توسط مدیریت و نیروهای امنیتی و کارفرما انتخاب نشده اند. این افراد که با رأی گیری نمایشی، اگر اصلا انتخاباتی در کار بوده باشد، معرفی شده اند، فقط به خاطر منافع خود و برای استفاده از امتیازات و رانت دولتی هر آنچه کارفرما و دولت گفته انجام داده اند. آنها هرگز کنار کارگران نبوده اند، بلکه برعکس در تمام بزنگاهها علیه کارگران اقدام کرده اند. بر هیچکس پوشیده نیست که آنها ابزار و وسیله ای در دست کارفرما و دستگاه امنیتی حکومت هستند، ماشین امضا برای تأیید اخراج کارگران و ظاهر سازی برای روندهای ظالمانه علیه طبقه کارگر هستند.

درد کارگران در ایران زیاد است و خارج از حوصله شما عزیزان. حرف نهایی ما با شما همکاران این است:

کشوری که پای مقاله نامه ها و میثاقهای بین المللی سازمان جهانی کار را امضا میکند، از جمله مقاله نامه های بنیادین کار که برای همه دولتهای عضو الزام آور هستند، نه تنها آنها را اجرا نمی کند، بلکه شرایط سخت تر و غیر انسانی تر برای تمام زحمتکشان و مزدگیران، چه زن و چه مرد، در تمام کارگاهها، مدارس، بیمارستانها، شرکتهای پیمانکاری و خصوصی به وجود می آورد.

مزید بر این، تورم بالای ناشی از سیاستهای سوداگرانه و رانتی، کارگر را در وضعیتی از ضعف قدرت خرید قرار داده که حتی در شرایط شاغل بودن باز هم توان پرداخت بخشی از هزینه ها مانند اجاره مسکن را ندارد، اما در همان حال باز هم از ترس اخراج، زندان و شلاق خوردن باید به این شرایط غیر انسانی تن دهد. کارگری که نه تنها صدایی در اجلاسهای جهانی که به نامش برگزار میشوند ندارد، بلکه می بیند که این نهاد نیز به اشغال همان بانیان شرایط اسف بار زندگی او درآمده است.

کشوری که اجازه تشکیل سندیکا و تشکل مستقل را نمیدهد، حق مسلم کارگران برای اعتصاب را به جرم امنیتی بدل میسازد، و اجازه انتخاب نمایندگان کارگری در یک روند دموکراتیک را نمیدهد، و هر وقت صدای اعتراض کارگری بلند شده با اخراج و زندان و شلاق و شکنجه مواجه شده، همین دستگاه امنیتی نمایندگان انتصابی و فرمایشی خود را به نام نمایندگان مستقل کارگری به مجامع بین المللی از جمله اجلاسهای سازمان جهانی کار اعزام میکند. مگر میشود یک

## پیام رضا شهابی به نمایندگان اتحادیه های کارگری مستقل از دولت و کارفرما در کنفرانس سازمان جهانی کار

با درودهای گرم،

من رضا شهابی هستم، راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از پشت دیوارها و میله های به هم تنیده ی زندان اوین به شما نمایندگان تشکل های کارگری مستقل از کارفرما و دولت حاضر در این نشست درود می فرستم.

از سال ۱۳۸۳، یعنی از بدو بازگشایی سندیکا من و همکارانم بارها بازداشت، اخراج، زندان، و شکنجه شده ایم. از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۶ به خاطر؛

-مبارزات اتحادیه ای

-مبارزه بر سر دفاع از حقوق کارگران

-مبارزه برای یک زیست انسانی و شرافتمندانه

با اتهامهای واهی و پرونده سازیهای دروغین تحت شدیدترین سرکوبها قرار گرفتیم. من شخصا درین فاصله در زندان بودم و در آنجابه دلیل ضرب و شتم و شکنجه از ناحیه گردن و کمر تحت عمل جراحی قرار گرفتم.

در اردیبهشت ۱۴۰۱ به خاطر گفتگو و همفکری با همکاران راننده و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکاهای صنفی از جمله دو عضو سندیکای معلمان فرانسه، فعالین صنفی معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، زنان، دانشجویان، دوباره به دلیل فعالیت صنفی و حق خواهی و اعتراض به وضعیت اسفبار دستمزد، معیشت، مسکن، بهداشت و آموزش کارگران، و بعد از روز جهانی کارگر ۱۴۰۱، مثل روال گذشته، با پرونده سازیهای دروغین و اتهامهای واهی و کذب مواجه شده ایم و کنشگران زیر یا هنوز در زندان هستیم، یا در انتظار ابلاغ احکام ظالمانه:

-رضا شهابی، داوود رضوی، حسن سعیدی از سندیکای کارگران شرکت واحد

-کیوان مهدی و آنیشا اسدالهی مدرس زبان انگلیسی و مترجمان سندیکای کارگران شرکت واحد،

-ریحانه انصاری نژاد فعال کارگری، ژاله روحزاد، فعال بازنشسته ی معلمان

-رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، مسعود نیکخواه، اسکندر لطفی، شعبان محمدی از اعضای کانونهای صنفی معلمان، و همچنین تعدادی از حامیان و فرزندان کارگران.

رفقا و هم طبقه ای ها،

نظام حاکم در کشور ما از بدو تاسیس، شمشیر را از رو بر تمام کارگران و مزدگیران بسته، و اولین کارش خارج کردن سندیکاهای تشکلهای مستقل کارگری از قانون کار، محدود و جایگزین کردن آنها با تشکل های دولتی و فرمایشی و انتصابی یعنی خانه کارگر، شورای اسلامی کار و مجمع نمایندگان کارگران بوده که همگی زیر نظارت و هدایت حکومت و دولت همچون پلیس مخفی در کارخانه ها و کارگاهها فعالیت کرده و اجازه نمی دهند صدای اعتراض کارگران بلند شود و

## پیام رضا شهابی به نمایندگان اتحادیه های کارگری مستقل از دولت و کارفرما در کنفرانس سازمان جهانی کار

فرد نزدیک به سه دهه دبیر کل "خانه کارگر" باقی بماند، و همزمان 6 دوره نماینده ی مجلسی باشد که همه از فیلترهای سفت و سخت و انتصابی آن آگاه هستند؟ و در تمام این دوران مصوبات بی شمار علیه کارگران تصویب شده است. چطور است که اعضای خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار مستقیماً در سرکوب مجمع عمومی کارگران شرکت واحد نقش داشته اند و آن را جزو افتخار خود در خدمت به حکومت میدانند، اما باز هم خود را به اسم نماینده ی منتخب کارگران جا میزنند؟ چطور میتوان به این افراد تا جایی اعتماد کرد که آنها برای پستهای بالاتر در سازمان جهانی کار انتخاب شوند؟

از تک تک نمایندگان محترم کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار تقاضا دارم به درخواست کارگران تحت ستم و ظلم ایران، که در شرایط نابرابر با کمترین امکانات صرفاً برای زنده ماندن تلاش میکنند، توجه داشته باشند. در این مدت دنیا به وضوح شاهد وقایع اسف بار و ستم و بهره کشی و خشونت بی نهایت علیه زحمتکشان، جوانان، زنان، و اقلیتهای این سرزمین بوده است، به طوری که دیگر اتهامات تکراری همچون پرونده سازیهای امنیتی، یا بهانه تراشیهای دیگر، نمیتواند دستهای خونین این آقایان را بشوید. از شما میخواهیم که در کنار کارگران ایران بایستید و؛

-این ماموران امنیتی را که به عنوان نمایندگان کارگران ایران به سازمان جهانی کار فرستاده اند، در هیئت مدیره سازمان جهانی کار یا در کمیته های کارگری و غیره نپذیرید،

-خواهان اخراج آنها باشید،

-در انظار عمومی خواستار آزادی کلیه کارگران و فعالین صنفی زندانی باشید،

-اجرای کامل مقاله نامه های سازمان جهانی کار بخصوص در رابطه با حق سازمانیابی، مذاکرات جمعی و آزادی تشکل را مطالبه کنید.

با همبستگی،

رضا شهابی،

زندانی اوین، تهران

## ده دروغ رایج درباره انقلاب اکبر

بخش اول

ترجمه سیوان کریمی

سال، ژنرالهای روسیه اجازه سقوط ریگا و افتادن به دست آلمان را دادند تا بهانه ای برای کودتای کورنیلف فراهم کنند و درست عبرتی به ریگا [طرفدار] سوویت بدهند. در عملی مشابه، کرینسکی قصد داشت تا نیروهای پادگان پتروگراد را به خط جبهه منتقل کند و پایتخت را تسلیم آلمانی ها کند تا کارگران انقلابی را قتل و عام کند. این آخرین اقدامی بود که بخشی از سربازان را مجاب کرد که دولت موقت ارزش پشتیبانی را ندارد. پادگان پتروگراد از این دستور جنایتکارانه برای ترک شهر امتناع کرد و وفاداری خود را به شوروی اعلام کرد.

در تحلیل نهایی شاهد هستیم که طبقه بر ملت غلبه خواهد کرد. طبقه حاکم روسیه ترجیح می داد که پایتخت خود را برای یک دولت خارجی بجا گذارد تا اینکه شهر به دست کارگران انقلابی بیافتد. لنین هم طبقه را بر ملت ترجیح می داد. او به جای اینکه بانکداران، روسا، زمینداران و ژنرال ها را متحد کند، کارگران را برای جنگ انقلابی علیه طبقه حاکم فراخواند. این موضع لنین بود که نظامیان آلمانی و روسی را سرنگون کرد و به جنگ خونین امپریالیستی پایان داد.

سیوان کریمی ژوئن ۲۰۲۳

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!  
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه!



میکنند، بحث دیگری است.

نکات قابل نقد بیشتری در صحبت کوتاه علیزاده در ایده آلیزه کردن دمکراسی هست و از آنها میگذرم. به دو مورد دیگر اشاره میکنم. علیزاده میپرسد "آیا میشود از دمکراسی صحبت کرد در جامعه ای که پر از بیعدالتی است. بخش عمده ای از جامعه زیر خط فقر زندگی میکنند، منطق قبول نمیکند که بگوییم دمکراسی است". در پاسخ باید گفت، نگاهی به

کشورهای غربی بستر اصلی دمکراسی بینداز تا این منطق طبقاتی شفاف به شما بگوید اینجا فقر و تبعیض روزمره گسترش میابد و این عین دمکراسی است.

به همین دلیل تفاوت جدی بین آزادی و دمکراسی قائل هستیم و اگر لازم شد در فرصت دیگری به این تفاوت میپردازیم. در ادامه این نگرش بورژوا لیبرالی، علیزاده در بخش دیگری میگوید، "آن درک عمیق را به جامعه ببریم که دمکراسی یعنی حقوق مساوی داشته باشیم برای بهره مندی از همه نعمات این دنیا" اینجا علیزاده به نحو بیسابقه ای دمکراسی را به جای سوسیالیسم پیشنهاد میکند. کمونیستها از مانیفست کمونیست تاکنون پیشتر این بودند که بشریت با پرچم آزادیخواهی سوسیالیستی و کمونیستی میتواند به حقوق مساوی بهره مندی از همه نعمات دنیا دست یابد و نه دمکراسی! علیزاده با این وارونه گویی درک و آگاهی عمیق را به جامعه منتقل نمیکند. بلکه درست همانند همه ایدئولوژیهای بورژوا لیبرال در چشم کارگر و مردم و شهروندان خواستار رهایی از قید و بند دمکراسی و حکومتهای متنوع کاپیتالیستی تحت نام دمکراسی خاک میپاشد.

حرف پایانی من در این یادداشت اینست ابراهیم علیزاده از سرناآگاهی و با معرفتی این چنین مرز بین آزادی و دمکراسی را مخدوش نکرده و به ایده آلیزه کردن دمکراسی نپرداخته است، بلکه به عنوان یک پراگماتیست محدود نگر برای همسویی با جبهه بورژوازی دمکراسی خواهی در ایران و کردستان مدتهاست انتخاب سیاسی کرده است. او میخواهد با تاخیر فراوان مسیری را بگوید که عبدالله مهدی سه دهه است، آن را طی کرده است. علیزاده با تاخیر فراوان در نیمه راهی است که مهدی در انتهای آن ناکام مانده است.

\*\*\*

## به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

## توهم یا وارونه گویی فریکارانه در قبال

### دمکراسی

در حاشیه تعبیر ابراهیم علیزاده از دمکراسی

رحمان حسین زاده

ابراهیم علیزاده در سمیناری در بروکسل تعبیر خود را از دمکراسی مطرح کرده است. بحث ایشان چنان وارونه و سطحی و ازبديهيات تحلیلی جا افتاده از نگاه چپ و یا راست در تبیین مقوله و یا پدیده دمکراسی به دور است، برآستی نقد و بررسی جدی را نمیطلبد. من هم در این یادداشت کوتاه چنین قصدی ندارم. در اینجا فشرده بحث او را نقل کرده و در مقابل سنوالاتی که با حق بجانبی بیمورد طرح میکند، با کامنتهایی پاسخم را طرح میکنم.

ابراهیم علیزاده طرح میکند: "قبل از هر چیز آیا درک واحد از مقوله دمکراسی داریم؟ آیا همه دمکراسی را مثل یک مفهوم واحد می بینیم؟"

در مقابل این سنوالات تعجب آور به ابراهیم علیزاده باید یادآوری کرد، دمکراسی و دمکراسی خواهی برخاسته از بطن نظم کاپیتالیستی و طبعا حافظ نظم استثمارگر سرمایه داری چه در ظرفیت جنبش و ایدئولوژی و سیاست و حرکت و تشکل و تحزب پدیده واحد و مفهوم واحدی نیست، ترندهای مختلف از جمله دمکراسی لیبرالی، دمکراسی غربی، دمکراسی خلقی، دمکراسی پارلمانی(نیابتی)، دمکراسی مستقیم، زیر چتر دمکراسی تاریخاً و تاکنون در تمایز و بعضی وقتها در تقابل و جنگ و دشمنی با هم عرض اندام کرده اند. دمکراسی و ترندهای آن در پروسه تقابلهای سیاسی طبقاتی جهانی و منطقه ای و محلی تحولات مهمی به خود دیده اند. از همه مضحکتر به دنبال پایان جنگ سرد دمکراسی رژیم چنچی و مخملی، دمکراسی ائتلافی قومی - مذهبی توافقی و سناریو سیاهی دست پخت غرب و آمریکا هم تجربه شده اند. در نتیجه و بر این اساس تبیینهای مختلف وجود دارد و مشکل عدم درک واحد نیست، بلکه برخلاف تصور پوپولیستی علیزاده عدم درک واحد ریشه در تفاوت و تقابلهای ترندهای مختلف دمکراسی خواهی است.

برخلاف واقعیتی که تاکید کردم، اما علیزاده میگوید: "تا آنجا که من درک کرده باشم دمکراسی مفهومی نیست تقسیمش کنی، دمکراسی انتخاب بین بد و بدتر نیست" برآستی مانده ام به کسی که چند دهه است خود را کمونیست معرفی میکند، چه بگویم!! مخاطبینمان قضاوت کنند! اما این پاسخ ساده را تکرار میکنم، همانطور که در بالا استدلال شد، دمکراسی پدیده تقسیم شده به جنبشها و ترندهای مختلفی است که علیرغم تفاوتهاشان اما همگی برای استقرار یک رژیم سیاسی بر مبنای وجود اقتصادی و اجتماعی کاپیتالیسم سرمنشأ استثمار و ستم و تبعیض میکوشند. در بهترین حالت همچون ترندهای سوسیال دمکرات دولت رفاهی نوع اسکاندیناوی دهه های شصت و هفتاد قرن بیستم الگوی "کاپیتالیسم دمکراتیک" را وعده میدهند، که چند دهه است دوران آنها هم بسر رسیده است.

و باز برخلاف نگرش بورژوا لیبرالی ایده آلیزه کننده دمکراسی علیزاده، اتفاقاً دمکراسی در بخش اعظم سیطره سیاسی خود حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی غربی که گویا مهد دمکراسی اند، مثل آمریکا و بریتانیا و فرانسه و آلمان و اسکاندیناوی و بر اساس انتخابات پارلمانی صحنه انتخاب بین بد و بدترند. آخرین نمونه ها در فرانسه و آمریکا و آلمان و بریتانیا و سوئد این واقعیت انکارناپذیر را تاکید میکنند. ابراهیم علیزاده براساس کدام مصلحت این واقعیات را انکار

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



ماندن لنین در سوئیس بسیار خوشحال می شدند، اما این تنها گزینه نبود. این دروغگویان به راحتی فراموش می کنند که مارتوف، بسیاری از دیگر منشویکها، و کسانی که در تبعید بودند، مجبور بودند که از مسیر آلمان به روسیه برگردند. اما هنوز که هنوز است هیچ کدام از این آدمها به مامور آلمان بودن متهم نشده‌اند، مساله‌ای که به لحاظ سیاسی ساده نیست.

اما "طلای" آلمان که فرض می شود لنین از قیصر دریافت کرده، چه بود؟

تا به امروز، با وجود هر تحقیق ریز و درشتی، کسی قادر نبوده که ردی از آن پیدا کند و تمام شبهات بی اساس بوده‌اند. اگر [روزنامه] پروادا کمک خارجی دریافت می‌کرد، به طور حتم در این مقیاس نمی‌ماند. این روزنامه چه در اندازه و در چه مقیاس انتشار، بسیار کوچکتر از روزنامه‌های لیبرال و رفرمیستی بودند که در حامیان ثروتمندی داشتند.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارش خود اضافه می‌کند که کارگران روسی برای گرفتن هر پلاکارد بلشویکها ۱۰ روبل دریافت می‌کردند. اما در سال ۱۹۲۱ میلیکوف، رهبر کادتها، گزارش داد که این نرخ ۱۵ روبل بود. روشن است [روزنامه] تایمز جای مناسبی برای چنین معامله‌ی چربی است، اما تا حال هیچ ردی برای این دستمزدهای غیرقانونی که توانسته بود میلیونها نفر را به خیابان بیاورد تا با شلاق پلیس و نیروهای قزاق روبرو شوند، یافت نشده است. هنوز هیچ کس نتوانسته سندی را ارائه دهد که این شبکه توزیع [پول] را برای رساندن به تمام امپراتوری تزاری اثبات کند که سرانجام نمایندگان بلشویک را انتخاب کردند.

ادعای کمک‌های مالی خارجی در گذشته هم در مورد جنبش‌های توده‌ای دیگر مطرح بوده است. چنین "اخبار جعلی" در تظاهرات‌ها علیه مراسم تحلیف دونالد ترامپ گزاش شد که ظاهراً از صندوقی که توسط جورج سوروس میلیاردها یهودی تاسیس شده بود، ۳۵۰۰ دلار سرانه پرداخت می‌شد. دونالد ترامپ هم وارد گود شد و در مورد "معترضان حرفه‌ای" نوبت کرد. این داستان یادآور اپرای طلای راین اثر واگنر است که تمام قدرت [اجرای] را به حامل پیام [پیام‌رسان] می‌دهد. طبقه حاکم سرنگون شده نمی‌تواند تصور کند که چرا توده مردم دست رد به سینه آنها می‌زند و بنابراین به خلق افسانه‌ی ثروت‌های ماورایی روی می‌آورد. واقعیت اما بسیار بدیهی است: لنین و بلشویک‌ها ایده‌هایی را مطرح کردند که مردم از آنها حمایت می‌کردند. این ایده‌ها، منبع قدرت "جادویی" آنها بود.

در این شکی نیست که دولت امپریالیستی آلمان نقشه‌های در سر داشت که اجازه داد قطاری از انقلابیون رادیکال و "پاسیفیست" [از نگاه آلمانها] از قلمرو آنها عبور کند. قمار آنها این بود که این مخالفان باعث جابجایی و نهایتاً تضعیف نیروهای در حال جنگ روسیه می‌شدند اما حتی دیوانه‌وارترین تصورات هم نمی‌گنجید که نیروهای بلشویک به قدرت برسند. این یک مانور ویژه برای دولت امپریالیستی آلمان نبود. با این حال، همانطور که روند رویدادها نشان داد، این قمار خاص توسط ستاد کل [ارتش] آلمان به وضوح نتیجه معکوس داشت.

در شب ۲۹ اکتبر ۱۹۱۸، در ناوگان آلمانی‌ها شورشی به وقوع پیوست. با تاسی از انقلاب روسیه، بیشتر شهرهای ساحلی را در ۷ نوامبر تصرف کردند. قیصر ویلهلم دوم در ۹ نوامبر مجبور به استعفا شد. در ۱۱ نوامبر کارگران آلمانی در ادامه راه همقطاران خود در روسیه امپریالیسم آلمان را در هم شکستند و با روشهای انقلابی نقطه‌ی پایانی بر جنگ جهانی اول گذاشتند. اگر از این دید نگاه کنیم نه تنها لنین مامور آلمان نبود بلکه او عامل سقوط قیصر بود. متقابلاً، این دولت موقت و ستاد کل روسیه بود که مامورین واقعی آلمان بودند. حتی قبل از انقلاب فوریه به دنبال صلح جداگانه با آلمان بود. در اوت همان

## ده دروغ رایج درباره انقلاب اکتبر

بخش اول

ترجمه سیوان کریمی

مقدمه: رسانه‌های جریان اصلی در طول قرن اخیر از هر ابزاری برای تخریب انقلاب اکتبر و لنین کوتاهی نکرده‌اند. در روزهایی که تب مبارزات انقلابی در تابستان ۱۴۰۱ به اوج خود رسید، بخشی از حمله راست‌ها به نیروهای چپ به تاریخ و نقش رهبران برجسته‌ی کمونیستی در آن بود. پس از سال ۱۳۹۶ فیلم و سریال و نوشته‌های زیادی در مورد رهبران چپ و کمونیست در ایران و بویژه کردستان تهیه شده‌است. این ده دروغ پاسخی به ادعاهای کذابین تاریخ چه در صد سال قبل برای جنبش کمونیستی و چه راستهای افراطی برای تحریف تاریخ و مخدوش کردن آن و همچنین نگاهی واقعی به تحولات دوره انقلاب اکتبر است. نوشته زیر ترجمه‌ی مقاله‌ای نسبتاً طولانی است که به ده دروغ رایج درباره انقلاب اکتبر می‌پردازد. تلاش من این است که این مطلب را به مرور ترجمه و در اختیار علاقمندان قرار دهم. با حفظ محتوای این مقاله، سعی می‌شود که نثری روان‌تر از آن ارائه شود.

دروغ اول:

لنین مامور آلمان بود.

این اولین و کهنه‌ترین دروغ درباره انقلاب بلشویکی است. منشا اصلی این دروغ به روزهای سیاه جولای برمیگردد، روزهایی که بلشویکها غیرقانونی شدند، لنین مجبور به زندگی مخفی شد و تروتسکی به زندان افتاد. فضایی که در حول این دروغ ایجاد شد، به درهم شکستن چاپخانه‌های بلشویکها منتهی شد.

فروشندگان کاغذ و هنرمندان مخالف مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و حتی تعدادی کشته شدند. پس از چند هفته تحمیق شدن، کارگران و دهقانان روسی متوجه نادرستی این مساله شدند و به طور گسترده‌ای شروع به مخالفت با کسانی کردند که این دروغ را بهانه‌ای برای ادامه جنگ خونین جهانی و ادامه حکومت ثروتمندان و زمینداران کرده بودند. حامیان بلشویک از اواسط آگوست (اوت) به بعد به صورت روبه رشدی افزایش یافت. با این وجود، این واقعیت که مردم روسیه در صد سال قبل به این دروغ پی برده بودند، باعث نشده است تا به امروز این دروغ تکرار نشود و به شکل‌های جدیدی به مردم قالب نشود. در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷، درست صد سال پس از گرفتن این دروغ، روزنامه نیویورک تایمز مقاله‌ای را در این مورد منتشر کرد که این دروغ را او به او تکرار کرد. باید روزنامه تایمز را به خاطر تعلق به مسائل زیست محیطی ستایش کنیم چراکه به وضوح به "بازیافت" (recycle) متعهد هستند.

دروغ چیزی در این مایه‌ها بود: بعد از انقلاب فوریه، لنین با قطاری "مهر و موم شده" از آلمان به روسیه سفر کرد. در طول مسیر، لنین کمک هزینه‌ای از طرف قیصر دریافت کرد و فعلاًنه برای سابوتاژ تلاش‌های متفقین به رهبری آلمان فعالیت کرد.

اما واقعیت چیست؟

درسته، لنین مجبور شد که از طریق آلمان به فلاند برای پیوستن به انقلابیون روسیه سفر کند. لنین به خوبی از ریسک سیاسی سفر از مسیر آلمان باخبر بود و به همین دلیل بود که بر قطاری "مهر و موم شده" اصرار ورزید، قطاری که در طول مسیر نه کسی از آن پیاده شد و نه کسی سوار آن شد. اما آلترناتیو این سفر چه بود؟

قدرت‌های متفقین، دولت‌های امپریالیستی فرانسه و بریتانیا، از امکان عبور امن برای او از طریق سرزمین‌های اشغال شده امتناع کردند. هنگامی که تروتسکی تلاش کرد که از نیویورک و بوسنیه قطار به روسیه برسد، سرویس مخفی بریتانیا او را در به مدت یک ماه در هالیفاکس زندانی کرد، سرانجام با دخالت کانادا و تنها با اعتراضات گسترده عمومی آزاد شد. برای همه آشکار بود که امپریالیست‌ها با منزوی



اینکه موفق نمیشود مرا ببیند مقداری وسایل خوراکی و لباس که برایم آورده بود را به یک نفر از اهالی آن روستا میدهد تا به من برساند. بعد از ظهر آن روز مردی که مادرم وسایل را نزد او گذاشته بود آمد اما وسایل را تحویل نگرفتم و گفتم من نیازی ندارم هرگاه واحدی از رفقایم را دیدی به آنها تحویل بده. غروب که شد کشاورزها به

روستا برگشتند، صاحب باغ قبل از رفتن از من پرسید برنامه ام چیست و آیا شب را آنجا خواهم ماند. گفتم قرار است در یک روستای دیگر به رفقایم ملحق شوم و بعد از شما من هم به سوی آنجا حرکت خواهم کرد. نیروهای رژیم روز بعد سراغ صاحب باغ رفته و گفته بودند ما یک واحد کومله هستیم و دنبال یکی از رفقایمان به اسم سردار نگل میگردیم. پیرمرد بیچاره هم از همه جا بی خبر گفته بود مرا میشناسد و دیروز تا غروب در باغ آنها بوده ام، ظاهراً برای اینکه لو نروند کاری به کار پیرمرد نداشته و آزارش نداده بودند. آن شب حدود ساعتی بعد از اینکه کشاورزها به روستا برگشتند من هم مخفیانه وارد بنیدر شدم. هنوز چند دقیقه از ورودم به بنیدر نگذشته بود که کاملاً اتفاقی به یک واحد از رفقای دسته سازمانده منطقه ژاورد رسیدم. دیدار دوباره این رفقا برایم چنان دور از انتظار بود که چند ساعت طول کشید تا باورم شد که آنها را نه در خواب و خیال که در عالم واقع و بیداری دیده ام. هر چند بعد از دیدار دوباره این تیم از رفقای بخش علنی حزب کمونیست و کومله جان تازه ای گرفتم، اما در عین حال همین احساس امنیتی که بودن در کنار رفقایم به من می داد باعث شد تا غم جانکاه مرگ محمد نازنین و اسارت استاد حسن عزیز که تلاش برای زنده ماندن طی چند روز گذشته روی آن سرپوش موقتی گذاشته بود دوباره همچون کوهی بر سرم آوار شود. درک این واقعیت تلخ که محمد برای همیشه از میان ما رفته است چنان برایم سخت بود که مدت‌ها ترجیح میدادم بیشتر تنها باشم و در عالم خیال به خود بقبولانم که او زنده است و بعد از مداوای زخمهایش به میان ما باز خواهد گشت.

محمد تنها یکی از صدها انسان عزیز بود که در صفوف حزب کمونیست ایران و کومله در دهه شصت جانشان را در راه برقراری جامعه ای عاری از هر گونه ناعدالتی و نابرابری از دست دادند. اکثریت عظیم این صدها مبارز انقلابی که در مقابل جمهوری اسلامی و دستگاه عریض و طویل سرکوبش سر فرود نیاوردند و جان عزیزشان را در راه تحقق آرمانهای و الاپشان باختند جوانان و نوجوانان دهه چهلی بودند. ده ها نفر از این جانباختگان کمونیست از دوستان نزدیک و عزیزترینهای زندگیم بودند. آنچه باعث شد که غم از دست دادن این همه انسان عزیز من و بسیاری دیگر از هم‌زمانم را در هم نشکند این بود که در مسیر مبارزه یاد گرفتم زانوی غم بغل نگیریم و آن همه درد و رنج و غم جانکاه را به نفرت هر چه بیشتر از جمهوری اسلامی و هر آنچه نظم موجود را سر پا نگاه می دارد تبدیل کنیم. هر چند جمهوری اسلامی با ماشین سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام ظاهراً موفق شده است به درجائی کنترل اوضاع را در دست بگیرد اما شعله های قیام خاموش نشده اند و وضع فعلی موقت و گذرا خواهد بود. افت موقتی خیزش و قیام اخیر از نظر روحی برای همه ما آزاردهنده و سنگین است اما فراموش نکنید که رژیم میخواهد ما را زانوی غم بغل گرفته ببیند. در نتیجه مبارزات مستمر و مداوم چهار دهه گذشته و مخصوصاً قیام اخیر و قهرمانیهای شما جوانان و نوجوانان انقلابی، رژیم در بسیاری از جبهه ها و ادار شده تن به عقب نشینی بدهد. حفظ سنگرهای فعلی و موقعیتی که به دست آورده ایم میتواند شروع پایان حاکمیت جمهوری اسلامی باشد.

برای اینکه تصویر واضح تری از آنچه دهه شصت بر جامعه ایران و مخصوصاً مردم کردستان که آخرین سنگر مقاومت در برابر رژیم تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی بود گذشت داشته باشید کافی است نگاهی به نقشی که مردم روستای محل تولد رفیق محمد امین نجاری (آویهنک) در مبارزه بر علیه رژیم ایفا کرده اند و مصائب و رنجهایی که در این راستا متحمل شده اند ببینید. روستای آویهنک در آن سالها

صفحه ۵

## دهه چهلای سالهای شصت ( قسمت

### چهارم، بخش آخر)

سردار قادری

با احترام به یاد و خاطره عزیز رفیق محمد امین نجاری (آویهنک)

نیروهای رژیم برای ناهار در گروههای چند نفره به خانه های مردم رفته و یک دسته ۵ یا ۶ نفری هم به خانه محل اختفای من آمدند. مردم در چنین شرایطی حق اعتراض نداشتند و باید از قاتلان فرزندانشان با هر آنچه در خانه یافت میشد پذیرایی هم بکنند. خانه ای که من آنجا بودم دو اتاق داشت، یک اتاق پشتی که هم انباری و هم آشپزخانه بود و یک اتاق نسبتاً بزرگتر که از آن بعنوان نشیمن و اتاق خواب استفاده میکردند. صاحبخانه نیروهای رژیم را به اتاق نشیمن برد و من در طول مدت حضور آنها در آن خانه، گوشه تاریکی در اتاق پشتی و دست روی ماشه غرق در افکار آزاردهنده نشسته بودم. اگر متوجه حضورم بشوند چگونه عکس العمل نشان دهم؟ آیا بهتر نیست که به محض ورودشان به این اتاق به رگبارشان ببندم از خانه بیرون بروم و با جنگ و گریز تلاش کنم از روستا خارج شوم؟ آیا بهتر نیست بخاطر حفظ جان صاحب خانه و زن و فرزندانش بدون هیچ مقاومتی تسلیم شوم؟ آیا حتی اگر تسلیم هم بشوم به آسانی دست از سر این خانواده بر خواهند داشت؟ آیا بهتر نیست به محض اینکه فهمیدند من اینجا هستم برای نجات خانواده میزبانم داد بزنم که با زور اسلحه و تهدید وارد این خانه شده ام و بعد با یک گلوله به زندگی خود خاتمه دهم؟ اینها و هزاران سوال بی جواب دیگر چنان ذهنم را به خود مشغول کرده بودند که متوجه گذر زمان نبودم و وقتی به خود آمدم که آن تیم تروریست غذایشان را خورده بودند و میخواستند بروند. من در دوران مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم اسلامی چند مورد دیگر در چنین شرایطی قرار گرفته ام و آنچه حتی امروز هم با گذر بیش از سه دهه از آن روزها برایم تحسین برانگیز و غیر قابل باور است رفتار آرام و بدون ترس و دلهره خانواده هائیت که میدانستند به محض لو رفتن ما جان آنها هم به خطر خواهد افتاد. من حتی امروز هم وقتی در عالم خیال برای لحظاتی کوتاه خودم و فرزندانم را جای آن خانواده ها میگذارم تتم میسرزد و تردید دارم که بتوانم از عهده چنان فداکاری بزرگی برایم.

نیروهای رژیم که برای یافتن من به دادانه لشکرکشی کردند چون جرات نداشتند شب را آنجا بمانند عصر همان روز بدون گرفتن نتیجه ای با سرعت روستا را ترک کردند. بعد از رفتن نیروهای رژیم تصمیم گرفتم با تاریک شدن هوا از روستا خارج شوم و به هر طریقی که شده خود را به یکی از واحدهای علنی کومله برسانم. چند روز طول کشید تا توانستم صاحب خانه و دوستان دیگر را قانع کنم که خروج من از روستا از هر نظر عاقلانه تر است و با توجه به اینکه تعداد بیشتری از حضورم باخبر شده اند خطر لو رفتنم نیز بیشتر شده و ماندنم میتواند جان تعداد زیادی را بخطر بیاندازد. یکی از دوستان بعنوان راهنما تا کوهپایه های پشت روستای بنیدر همراهم آمد. پس از برگشتن او مسیر کوهستانی را در پیش گرفته و با روشن شدن هوا به دشتهای بنیدر رسیدم. مسیرهای رفت و آمد را برای مدتی کنترل کردم و چون مورد مشکوکی ندیدم به باغی رفتم که مردی تنها در آنجا مشغول کار بود. آدم مهربانی بود و با هم صحبتانه ای خوردیم. طولی نکشید که تعدادی از کشاورزان دیگر که معلوم نبود از کجا خبر حضور من در آن باغ را شنیده بودند به آنجا آمدند.

بیشتر صحبتها در مورد شخصیت آگاه و قابل احترام محمد امین بود، همگی از اینکه کادر برجسته ای همچون محمد امین را از دست داده ایم غمگین و بشدت نگران سلامتی و سرنوشت استاد حسن بودند. می گفتند رژیم در به در دنبال من میگردد و همه از اینکه زنده و سالم مرا ببینند خوشحال بودند و مدام در آغوشم کشیده توصیه میکردند که از فلان مسیر نروم و این یا آن مسیر مطمئن تر است و خیلی مواظب خودم باشم و ... بیچاره مادرم برای دیدنم همه آن منطقه را زیر پا گذاشته و بعد از

مرگ برستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!



## ستون اخبار کارگری و اجتماعی

### تهیه و تنظیم سپیده امیرعسکری و ارش کلهر

#### اعتراض کارگران شرکت دوران به واگذاری کارخانه به بخش خصوصی

روز چهارشنبه دهم خردادماه، تعدادی از کارگران کارخانه دوران (تولید کننده درب و پنجره آلومینیومی) در اعتراض به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی مقابل کارخانه تجمع کردند. این کارگران می‌خواهند روند واگذاری شرکت متوقف شود و می‌گویند: واگذاری نتیجه‌ای جز زمین خوردن تولید و بیکاری کارگران نداشته و ندارد.

#### اعتصاب کارکنان فولاد خراسان در اعتراض به حقوق و مزایا

شنیده‌ها حاکی است که سه شنبه ۱۶ خرداد کارکنان شیفت صبح مجتمع فولاد خراسان در اعتراض به حقوق و مزایای خود اعتصاب کرده‌اند.

#### حذف تکلیف حداقل دستمزد کارگران در مناطق آزاد

برخی آمارهای غیررسمی حاکی است، بیش از یک میلیون کارگر در مناطق آزاد مشغول کار هستند که از شمول قانون کار خارجند و کارفرمایان تکلیفی درباره پرداخت حداقل دستمزد به آنها ندارند. این اساس، دستمزد کارگران در مناطق آزاد منطقه‌ای تعیین می‌شود که مشکلات زیادی را برای کارگران فراهم کرده است. مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی عملاً به اردوگاه کار اجباری با اعمال شاقه و در نهایت بی‌حقوقی و استعمار شدید برای کارگران تبدیل شده است.

#### تهدید به اخراج ۳۵۰ کارگر خطوط ابنیه فنی کرمان توسط پیمانکار

گزارش منتشر شده از فشار پیمانکار خطوط ابنیه فنی کرمان بر ۳۵۰ کارگر شاغل برای عقد قرارداد جدید خبر داد. کارگرانی که در استخدام این شرکت پیمانکار هستند، از حدود ده سال پیش که همکاری خود را در خطوط ابنیه فنی آغاز کرده‌اند، سنوات دریافت نکرده‌اند و برخی مزایای مزدی آن‌ها نیز به دلیل قانونی نبودن قرارداد پرداخت نشده است به همین دلیل کارگران از امضای قرارداد جدید خودداری می‌کنند. در روزهای اخیر فشارهای کارفرما برای انعقاد قرارداد افزایش یافته است اما کارگران تصمیم گرفته‌اند تا وصول مطالباتشان از امضای هر قرارداد جدید که قانونی نیست، خودداری کند.

کارگران به دلیل مخالفت با عقد قرارداد جدید از طرف عوامل کارفرما تحت فشار قرار گرفته و به آنها اعلام شده است که در صورت خودداری از امضای قرارداد جدید، اخراج می‌شوند. به گفته کارگران؛ خواسته آنان عقد قرارداد قانونی اداره کار و وصول مطالبات سنواتی است و این خواسته زیادی نیست که کارفرما بخواهد در برابر آن کارگران را با اعمال فشار از کار بیکار کند.

#### تجمع اعتراضی اینترن‌های علوم پزشکی کرمانشاه

روز سه‌شنبه ۱۶ خرداد، اینترن‌های علوم پزشکی کرمانشاه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه تجمع کردند. اما پلیس مانع از تجمع شد و با تهدید به متفرق کردن تجمع کنندگان اقدام کردند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان منطقه مخابراتی استانه‌ها

روز سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی در سراسر کشور در اعتراض به عدم اجرای آیین نامه استخدامی، مشکلات هزینه‌های درمانی و عدم تحقق دیگر

خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش و اهواز

روز چهارشنبه ۱۷ خردادماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان شوش در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرستان دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی مردم مقابل فرمانداری شهرستان تفت در استان یزد به دلیل کمبود آب شرب

جمعی از اهالی دهشیر در شهرستان تفت به دلیل بی‌آبی در این روستا مقابل فرمانداری تفت تجمع کردند. یک روستای چند صد نفره آب برای خوردن ندارند.

#### تجمع اعتراضی مردم روستای دانیال در عباس آباد مازندران

اهالی روستای دانیال در عباس آباد مازندران در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند. در ۲۶ فروردین مأموران به جهت حمایت از سلب مالکیت‌های اوقاف از اهالی غرب مازندران دو تن از اهالی روستای دانیال را با شلیک مستقیم به قتل رساندند.

#### جانباختن یک کودک کار در دیواندره بر اثر انفجار

بر اساس گزارش منتشر شده، روز دوشنبه ۱۵ خرداد ماه ۱۴۰۲ یک کودک کار به نام سروش عبدالله زاده، ده ساله و اهل شهر سقز بر اثر آسیب دیدگی شدید ناشی از انفجار گاز در دیواندره جان خود را از دست داد. این کودک ده ساله چند روز پیشتر، متعاقب انفجار گاز در محل کارش در شهر دیواندره به شدت مصدوم شده و به مراکز درمانی منتقل شده و بستری شده بود که در نهایت بر اثر شدت جراحات وارده جانباخت.

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن همدردی با خانواده این کودک، رژیم اسلامی حافظ سرمایه‌داران را عامل اصلی قتل سروش عبدالله زاده میدانیم. رژیم اسلامی با تحمیل گرانی، فقر و فساد کودکان را از سنین پانین بجای مدرسه، بازی و تفریح به بازار کار ارزان و بدون ایمنی کار می‌فرستند.

#### ابلاغ حکم داود رضوی

صبح روز، ۱۷ خرداد ۱۴۰۲، بدون هماهنگی با وکیل داود رضوی، این کارگر زندانی را به دادگاه کذائی شعبه ۱۵ اعزام نمودند، و حکم داود رضوی توسط دفتر قاضی صلواتی به وی اعلام شد. بر اساس حکم اعلامی، داود رضوی به ۵ سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از فعالیت در فضای مجازی و فعالیت در گروه‌های سیاسی و احزاب محکوم گردیده است.

اتهام داود رضوی اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی اعلام شده است که مصادیق آن عضویت در هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تجمع روبروی مجلس و شهرداری برای مسکن و مطالبات کارگری، ساماندهی اعتراضات کارگری در شرکت واحد، شرکت در اجلاس سازمان جهانی کار، ارتباط با همکاران سندیکایی همانند حسن سعیدی و رضا شهابی، و نیز دیدار با ۲ معلم سندیکایی فرانسوی بوده است. داود رضوی در ۵ مهرماه ۱۴۰۱ دستگیر شده و بعد از تحمل ۸۲ روز بازداشت در بند ۲۰۹ و ۲۴۰ ابتدا در تاریخ ۲۷ آذر ۱۴۰۱ به زندان تهران بزرگ و سپس در تاریخ ۲۰

## ستون اخبار کارگری و اجتماعی

## تهیه و تنظیم سپیده امیرعسکری و ارش کلهر

هشت ساله گفته است: «دومین بار است که ناهید تقوی، شصت و هشت ساله را در چنین وضعیتی می‌بینم. آنقدر درد می‌کشد که درد را به وضوح در چهره‌اش می‌توان دید. به سختی از تختش بیرون می‌آید، به بهداری می‌رود و برای او آمپول مسکن قوی تزریق می‌کنند و نهایتاً به تختش برمی‌گردد.»

ناهید تقوی، که تابعیت آلمان را هم دارد، بیست و پنج مهر ۱۳۹۹، توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در تهران بازداشت و به یکی از سلول‌های انفرادی اطلاعات سپاه موسوم به بند دو الف زندان اوین منتقل شد. وی پس از گذشت پنج ماه از این سلول انفرادی به بند زنان زندان اوین منتقل شد. او از زمان بازداشت طی هشتاد جلسه و معادل هزار ساعت تحت بازجویی قرار گرفته است.

اتهام او «مشارکت در اداره گروه غیرقانونی و فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان شده و از زمان بازداشت از امکان برقراری تماس تلفنی با خانواده‌اش محروم بوده. ناهید تقوی از آسیب‌های شدید در ستون فقرات رنج می‌برد.

## ممنوع الملاقات شدن تعدادی از زندانیان بند ۴ اوین

روز چهارشنبه ۱۷ خردادماه با دستور رئیس بند ۴ زندان اوین، علی یونسی، یوسف یونسی، امیرحسین مرادی، سید جواد سیدی، کامیار فکور و ارش جوهری؛ ممنوع الملاقات شدند. جعفر ابراهیمی و رسول بدافی دو معلم زندانی در این بند، نیز در اعتراض به این حرکت و حمایت از زندانیان، از رفتن به ملاقات خودداری کردند.

## استمداد خواهر زندانی سیاسی حبیب دریس برای حمایت از برادرش

وی از سازمان‌های حقوق بشری سازمان ملل و وکلا درخواست کمک کرد و گفت: «حکم اعدام برادرم و چند زندانی دیگر را داده‌اند. برادرم، پسر عموها و پسر عمه‌هایم را شکنجه کردند»

صدای ما باشید» ما صدایتان می‌شویم تا نگذاریم سرهای بیگناهان بالای دار برود.

بنابر خبرهای منتشر شده در روز سه شنبه ۱۶ خرداد، کسبه‌ی سمیرم در اعتراض به اتهام‌های سنگینی که رژیم اسلامی به زندانیان سیاسی می‌زند، اعتصاب کرده‌اند. فاضل و مهران بهرامیان، دو تن از این زندانیان هستند که برادرشان مراد بهرامیان در اعتراضات کشته شده و حالا خودشان با اتهام‌هایی چون محاربه مواجهند، این اعتصاب در اعتراض به صدور احکام شنیع اعدام است.

فروردین ۱۴۰۲ به بند ۶ زندان اوین منتقل گردید. وی در این مدت براساس حقوق به اصطلاح قانونی که فقط روی کاغذ اعتبار دارند اما برای کارگران و مردم محروم اجرایی نمی‌شوند، می‌بایست تا زمان صدور حکم با وثیقه بیرون زندان باشد که عملاً اجرایی نشد. حکم داوود رضوی نشان می‌دهد که پیگیری مطالباتی همانند مسکن، دستمزد و اتحاد با همکاران و ایجاد سندیکای کارگری برای پیگیری این مطالبات از نظر قوه قضائیه و حاکمیت اقدام علیه امنیت ملی محسوب می‌شود، حقوقی که دولت ایران آنرا بر اساس مقاله نامه‌های بنیادین سازمان جهانی کار باید رعایت کند.

تلاش برای مسکن بهتر و یا دستمزد بالاتر اقدام علیه امنیت ملی محسوب می‌شود چرا که امنیت ملی یعنی امنیت کارفرمایان و تلاش برای زندگی بهتر یعنی به خطر انداختن امنیت کارفرمایان و حکومت آنها. سندیکای کارگران شرکت واحد صدور این حکم ضد کارگری را محکوم نموده و خواستار توقف این حکم برای داوود رضوی و همچنین لغو پرونده سازی و اتهامات بی پایه و اساس برای داوود رضوی و دیگر اعضای زندانی سندیکا حسن سعیدی و رضا شهابی می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۷ خرداد ۱۴۰۲

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن محکوم کردن حکم داوود رضوی، خواهان آزادی همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی هستیم.

## بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس در محکومیت بازداشت و زندان معلم آگاه و کنشگر اصغر امیرزادگان

متأسفانه معلم شجاع و دلسوز اصغر امیرزادگان، از اعضا هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس امروز سه شنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۴۰۲ به اتهام تبلیغ علیه نظام برای گذراندن ۸ ماه حبس تعزیری راهی زندان فیروزآباد فارس شد. قابل ذکر است که سال گذشته بنا به تشخیص قاضی، این پرونده با حکم یک سال حبس تعلیقی مختومه شد، اما با شکایت و اعتراض دادستان فیروزآباد، مجدداً پرونده به جریان افتاد و در دادگاه تجدید نظر استان فارس، طی رای ناعادلانه به ۸ ماه حبس تعزیری تبدیل شد.

در حالی که این کنشگر صنفی باید در تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۴۰۲ به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی داخلی و خارجی در شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز حاضر باشد، بسیار غیر منتظره به اتهامی واهی راهی زندان گردید. انجمن صنفی معلمان فارس ضمن حمایت از این معلم شجاع و مطالبه‌گر، بازداشت و زندانی کردن این معلم فرهیخته را شدیداً محکوم نموده و اعلام می‌دارد که زندان، بازداشت و پرونده‌سازی علیه معلم کنشگر و فعالین صنفی عدالت خواه، این قشر فهیم را از مسیر مطالبه‌گری و آگاهی بخشی دور نخواهد کرد. همچنین خواستار آزادی هر چه سریع‌تر این معلم آزاداندیش و تمامی معلمان زندانی می‌باشد.

انجمن صنفی معلمان فارس

۱۶ خرداد ۱۴۰۲

## وضعیت وخیم جسمی ناهید تقوی در زندان اوین

نرگس محمدی در خصوص وضعیت جسمی این زندانی شصت و

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید

گردند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!